

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۲
پنجشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۵۹، شماره ۱۵ روال

اعتراض عمومی به تصمیم وزارت کار

لغو قانون شرکت کارگران در دریافت سود ویژه و اعلان قانون "تامین منابع کارگران" بجای آن در هفتم مردادماه، از سوی وزارت کار، به بهانه اینکه قانون اخیر مصوبه شورای انقلاب است، کاسه صبر کارگران را در برابر بی تفاوتی، و در ایام اخیر تصمیمات نادرست وزارت کار بزیان زحمتکشان لبریز ساخت.

موج عدم رضایت و اعتراض عمومی از جانب کارگران با تصمیم اخیر وزارت کار را در واقع می توان اعتراض به بسیاری از اقدامات این بقیه در صفحه ۲

شاخه سیاسی توطئه را باید به هر قیمت کشف و سرکوب کرد

"قریب خورده" نشان می دهند، هر کدام به مثابه سلاح امپریالیسم آمریکا چه جاهای پانکی را که به مسلخ نمی بردند و چه انسانهای انقلابی آزاده ای را که در آتش بمب های خود خاکستر نمی کردند.

بهرکت هشیاری مردم انقلابی، توطئه عقیم ماند و بخش مهمی از شاخه نظامی کودتا دستگیر شد. اما همچنانکه حجت الاسلام رضوانی، حاکم شرع یادگان نوزده، در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفته است، بخش مهمی از شبکه "کودتا هنوز نامکشف است. این واقعتاً را حجت الاسلام محمد ری شهری در مصاحبه مطبوعاتی خود با خبرنگاران (۱۵ مرداد ۵۹) تایید کرده و افزوده است:

"... اینها دو شاخه داشتند. یک شاخه سیاسی و یک شاخه نظامی. شاخه نظامی آن تقریباً متلاشی شده است و تعدادی از آنها هم فراری هستند و دیگر نمی توانند کاری بکنند. ولی از شاخه سیاسی آن تعداد کمی گرفته شده اند و اکثر آنها هنوز آزاد هستند."

هشدارهای مقامات مسئول، سازمانهای سیاسی و اخبار خبرگزاریها و رادیوها و مطبوعات خارجی حاکی از آنست که، علیرغم شکست توطئه کودتای ۱۸ تیر، امپریالیسم آمریکا دست از دسیسه برای درهم شکستن انقلاب نکشیده است. این ببر خشمگین نیز زندان را، که چشم به بلعیدن انقلاب نویای مادارد، یکدم نباید از نظر فرو داشت، هر فرصتی را باید از او گرفت و هیچ ترحمی بر او و کارگزارانش جایز نیست. کمترین غفلت و تسامح در این راه به معنای فرستادن انقلاب به کام مرگ است.

امید امپریالیسم دسیسه گر در اجرای نقشه های بعدی اش علیه انقلاب، علاوه بر ضد انقلاب خارج از کشور و همکاری دولت های جنایتکاری چون مصر و عراق، به همین شبکه سیاسی است که تقریباً دست نخورده باقی مانده و بمخفی شدگان و فراریان شبکه نظامی، که دسترسی به آنان دشوار شده است. این دو گروه، که باید جاده را برای امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب مقیم خارج تسطیح کنند، بازوی فعال امپریالیسم اند، و اگر این بازو بقیه در صفحه ۲

اقرار و اعترافات کودتاگران در مرحله بازجویی، در دادگاه و در مصاحبه های رادیو تلویزیونی، هر روز بیشتر از عمق این توطئه خطرناک امپریالیستی و انعقاد گسترده آن برده برمی گردد. به یقین اگر توطئه وارد عمل می شد، کشتار و تخریب در پیتهای به وسعت سراسر خاک کشور ما دام می کشید و توطئه گرانی که اکنون در چنگال عدالت، خود را "تادم"، "جاهل" و

گرانی، زندگی زحمتکشان را مختل کرده است

انگیزی از افزایش قیمتها در مقابل خود داریم، که حکایت از وضع نامساعد اقتصادی کشور دارد، و اگر هر چه زودتر برای مقابله با آن وارد عمل نشویم، نرخ تورم در پایان سال جاری حتی بالاتر از نرخ آن در سال ۱۳۵۸ خواهد بود. توده های زحمتکش بمنظور حمایت از انقلاب و همدا نشدن با ضد انقلاب و به امید اینکه بالاخره متصدیان امور به لزوم مبارزه با تورم پی خواهند برد و برای مقابله با ضد انقلاب در این عرصه مهم، به اقدامات لازم متوسل خواهند شد، فشار سنگین هزینه زندگی را تحمل کرده و میکنند. ولی مسئولان هم باید توجه داشته باشند که ایمن صبر و تحمل حد و مرزی دارد و باید هر چه زودتر اقدامات لازم بمنظور کاهش نرخ تورم و تا مین حداقل معیشت زندگی اکثریت مردم بدر نتیجه بی اثر کردن تبلیغات ضد انقلاب، که هدف آن ایجاد بدبینی نسبت به انقلاب است، بعمل آید.

برای مبارزه با افزایش هزینه زندگی انجام اقدامات زیر بمنظور ضروری است:

۱- افزایش میزان تولید از طریق

گزارش بانک مرکزی ایران، "شاخصهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران، در خرداد ماه ۱۳۵۹ نسبت به ماه قبل، ۳/۴ در صد ترقی کرد که در مقایسه با خرداد ماه سال های گذشته بی سابقه بوده است. در این ماه شاخص گروه کالاها ۴/۵ در صد، خدمات ۱/۳ در صد و مسکن و سوخت یک در صد نسبت به ماه گذشته بالا رفت. در مقایسه با خرداد ماه سال گذشته، شاخص گروه کالاها بیش از ۳۱ در صد افزایش دارد." (روزنامه صبح آزادگان، مورخ ۷ مرداد ماه سال ۱۳۵۹).

از عوامل مهم افزایش این شاخص، طی دوره مورد نظر، افزایش قیمت گوشت قرمز حدود ۳۹ در صد، میوه های تازه ۳۰ در صد، برنج ۲۶ در صد، لبنیات و تخم مرغ ۲۶ در صد و سبزیهای تازه ۲۸ درصد بوده است.

اگر آثار بانک مرکزی ایران را قبول کنیم و آنرا تعدیل شده ندانیم، باز هم باید باور کنیم که تا بلوی غم

هزینه زندگی، که در اواخر حکومت شاه سابق، با سرعت قابل توجهی در حال افزایش بود، همچنان به روند صعودی خود ادامه میدهد.

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، انتظار میرفت که یکی از مواد برنامه دولت مزبور مبارزه با تورم و تلاش در جهت کاهش هزینه زندگی باشد. ولی متأسفانه نه تنها این امر تحقق نیافت، بلکه افزایش هزینه زندگی هم چنان ادامه یافت و بر فشار ناشی از هزینه سرسام آور زندگی، که سالیان دراز است بر دوش زحمتکشان سنگینی میکند باز هم افزوده شد.

واگذاری مسئولیت اداره امور کشور به شورای انقلاب هم متأسفانه تغییری از این بابت بوجود نیاورد. قیمت کالاها هم مورد نیاز عموم همچنان افزایش یافت و نرخ تورم سالانه به رقم باور نکردنی رسید.

توضیح آنکه، بموجب اظهار دبیر انجمن اقتصاد دانان ایران، که در روزنامه اطلاعات مورخ ۶ خرداد ۱۳۵۹ - منعکس گردید، نرخ تورم در سال ۱۳۵۸ در حدود ۵۰ درصد بر آورد گردیده است که مورد تأیید رئیس جمهور نیز قرار گرفت. فراموش نکنیم که تعدادی از صاحب نظران، نرخ تورم در سال ۱۳۵۸ را ۶۰ در صد دانسته اند.

در ماههای اول سال ۱۳۵۹، مردم همچنان شاهد گرانی باز هم بیشتر کالاها و خدمات مصرفی بودند. قیمت گوشت، برنج، انواع میوه و سبزیجات و دیگر کالاهای مورد نیاز اکثریت مردم بطرز کم سابقه ای افزایش یافت و موجب بروز عدم تعادل بیشتر میان درآمد و هزینه خانوادگی زحمتکش شد، تا آنجا که، بر اساس

رعایت نظم انقلابی و قوانین جمهوری اسلامی ایران خواست مردم است

اسلامی است. نظام متحول جمهوری اسلامی ایران از پشتیبانی قاطع جامعه انقلابی کشور بر رهبری امام خمینی بر خوردار است. وظیفه هر فرد، گروه، حزب و سازمان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، که خواهان آزادی و استقلال کشور، ترقی، رفاه و سعادت مردم آنست، رعایت نظام نوین جمهوری اسلامی و مراعات قوانین آنست، که خود در تصویب آن شریک بوده اند.

لیکن دیده میشود که، بموازات توطئه های مداوم گسترده امپریالیسم سرکوبگر امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پیروده آن در داخل و خارج و بر زمین همین توطئه ها، در این اواخر بکرات عده ای غیرمسئول، ناآگاه و تحریک شده (و متأسفانه گاه از جانب اشخاص مسئولی چون بعضی وکلای مجلس و غیره) عملاً نظام جمهوری اسلامی ایران را تخطئه میکنند، قوانین آنرا آشکارا و با کمال خشونت زیر پا می گذارند و دست به تهاجمات و خرابکاریهای بی همتا میزنند که میتواند فقط به نفع ضد انقلاب و بزیان انقلاب باشد.

در جامعه انقلابی ایران و نظام جمهوری اسلامی آن اجرای قانون خواست مردم است. کسیکه علیه قانون قیام کند، علیه مردم قیام کرده است. کسیکه قوانین یک جامعه انقلابی را بهر عنوان و بهر نام که باشد، برسمیت نشناسد و زیر پا گذارد، با ضد انقلاب است و با نا دانسته به ضد انقلاب کمک میکند.

وظیفه اساسی هر انقلاب اجتماعی بنیادی، بر انداختن نظام اجتماعی موجود و بنای نظام اجتماعی نویسن است. اختلاف اساسی انقلاب اجتماعی با هرج و مرج (آناشی) نیز در همین بنای نظام نوین اجتماعی با قوانین نوی به نفع مردم زحمتکش مستضعف است.

انقلاب شکوهمند مردم ایران نیز، بر خلاف آنچه که دشمنان سوگند خورده آن، یعنی امپریالیسم سرکوبگر امپریالیسم آمریکا و عناصر ضد انقلاب، پسماندهای فراری ساواک و ارتش آریا-مهری قلمداد و در دنیا پراکنده، میکنند چنین وظیفه خطیر تاریخی بنای نظام نوین اجتماعی با قوانین نوی به نفع مردم مستضعف را در مقابل خود گذاشته است.

در عرض یکسال و نیم که از قیام خلق رزمنده میگذرد، چه در براندازی رژیم طاغوت و سلطه خانمان برپاداده امپریالیسم و چه در نوسازی بنیادی نظام اجتماعی نوین دستاوردهای حاصل شده است. مهمترین دستاوردهای خلق انقلاب شکوهمند ایران همانست استقرار نظام جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی آن از سوی اکثریت قریب با اتفاق مردم کشور و بالاخره تشکیل نخستین مجلس شورای اسلامی ایران است. شورای انقلاب نیز در عرض این مدت قوانین بسیاری را تصویب و جانسین موانعین ظالمانه رژیم طاغوت کرده است. که اکنون ادامه این وظیفه بس مهم اجتماعی و تاریخی بمعهد مجلس شورای

تظاهرات پاکستانیهای مقیم تهران علیه دولت نظامی ضیاءالحق

گروهی از پاکستانیهای مقیم تهران، صبح روز سه شنبه ۲۱ مهر ماه (عید فطر)، علیه دیکتاتور نظامی ضیاءالحق در پاکستان دست به تظاهرات و راهپیمایی در تهران زدند.

تظاهرات کنندگان، که از استاد هیوم نصیری بسوی سفارت پاکستان حرکت می کردند، عکس هایی از امام خمینی و پلاکاردهایی در دست داشتند، که بر روی یکی از آنها نوشته شده بود:

مرگ بر ضیاءالحق رئیس نظامی

- دولت پاکستان و توکر آمریکا
- نزدیک ساعت ۱۰، تظاهرات کنندگان به خیابان انقلاب رسیدند. آنها شعارهایی علیه امپریالیسم آمریکا، رژیم نظامی ضیاءالحق و سادات خائن می دادند و با خشم فریاد می زدند:
- مرگ بر ضیاءالحق
- درد بر خمینی
- مرگ بر سادات

مرگ بر حکومت نظامی پاکستان
یکی از تظاهرات کنندگان در گفتگویی با خبرنگار رنانه "مردم" گفت:
"دولت نظامی ضیاءالحق، که وابسته به آمریکا است، تمام آزادیها را در پاکستان زیر پا گذاشته است. ما آزادی می خواهیم. ما می خواهیم که در پاکستان انتخابات آزاد برگزار شود."

رادیوسکو: سرنگونی رژیم استبدادی شاه و فسخ قراردادهای نابرابر اسارت بار نظامی و روابط اقتصادی با آمریکا، نتیجه منطقی و قانونی انقلاب ایران است

انقلاب ایران مقاومت کلیه دشمنان علنی و نقابدار داخلی و بخصوص خارجی خود را درهم شکست و به پیش روانست و پیوسته از گذشته دوران رژیم استبداد سلطنتی و سلطه و سطره و غارت و چپاول امپریالیستی، که منقرض ملت ایران بود، دورتر و دورتر میشود. ایران در این راه ناگزیر با دشواری های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، که برای دوران پس از انقلاب قانونی و منطقی است و با دشواریهای مصنوعی، که غالباً حاد و خطرناکترند و آمریکا ایجاد می کند، برخورد می کند. آمریکا هنوز امیدوار است موقعیت آتانی و اربابی در ایران را بخود بازگرداند و از تمام وسائل محاصره اقتصادی، شانناژ سیاسی، خراب کاری نظامی و تبلیغات افترا آمیز استفاده میکند. هدف دشمنان ایران از تمام این فعالیتها اینست که بنیانهای انقلاب را متزلزل و مشکلات تضادها را شدیدتر کرده، به احیای رژیم ضد مردمی برسند و یادستکم در خط مشی سیاسی خارجی ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران تغییر جهت محسوسی ایجاد کنند. این خط مشی، که انقلاب مردمی بهمراه، ایران نوین را در آن رهسپار کرد، مانند سرنگونی رژیم استبدادی شاه و فسخ قراردادهای نابرابر اسارت بار نظامی و روابط اقتصادی با آمریکا نتیجه منطقی و قانونی انقلاب ایرانست.

بقیه از صفحه ۱

شاخه سیاسی تو طند...

موقع قطع شود، امیرالیسم آمریکا تا یارگیری دیگری را سازمان دهد، فلج خواهد ماند و قادر به عمل تخریبی مؤثر علیه انقلاب نخواهد بود. به این دلیل مسئولان کشور باید تمام هشیاری خود و مردم را بسیج کنند، تا بقایای شاخه نظامی کودتا و تمامی شبکه سیاسی آن بفرقه کشف و افراد آن دستگیر شوند.

اهمیت شبکه سیاسی، چنانکه، به تکرار نوشته ایم، به هیچ رو کمتر از شاخه نظامی نیست. حجت الاسلام محمدری شهری در توضیح وظایف شاخه سیاسی کودتا می گوید:

" این شاخه در تجزیه و تحلیل سیاسی کودتا نقش داشت و فعالیت تبلیغاتی نیز می کرد و طرح کودتا از آنها بود."

چنانکه مشهود است، آنکه زمینه تدارک می دیده، تبلیغ می کرده و طرح می ریخته، شاخه سیاسی بوده است. نباید چنان خام بود که تصور کرد این طراحان کودتا اکنون بیکار، در گوشه لانه های خود خزیده و دست از طراحی توطئه های دیگر برای زمانی دیگر شسته اند. نباید اسیران پندار بود که کشف و بازداشت افراد شاخه نظامی و تیرباران عده ای از آنها، اعضاء شبکه سیاسی را بهراس افکنده و بی عمل ساخته است. بعکس، این ماره های ضربت خورده با کینه های شدیدتر از پیش، به رهنمودهای سازمان های جاسوسی ارباب، در کار تدارک توطئه های خونین تر و سنگین تر علیه انقلاب ایران اند، و در این فکر، که تا تنور گرم است، نان را بجسبانند.

شاخه سیاسی ضدانقلاب، مدت ها قبل از شاخه نظامی سازمان داده شده و کار تخریبی خود را آغاز کرده است. اعضاء مؤثر این شاخه بودند که با اشغال مواضع حساس در دستگاه دولتی و ارتشی، در کار تعمیق انقلاب کارشکنی کردند، سعی در انحراف انقلاب از مسیر خلقی و ضدامپریالیستی آن داشتند، ناراضی ها و آشفتگی های اقتصادی - اجتماعی را، که از پیش رزم شاه ممدوم بود، به انقلاب نسبت دادند. اعضاء شاخه سیاسی بودند که علیه رهبران انقلاب و کل انقلاب شایعه سازی و شایعه پراکنی می کردند و اکنون هم می کنند، جوهر خلقی انقلاب را کتمان می کنند و به کمک اسناد جعلی سازمان "سیا" سعی دارند، انقلاب مردمی ما را ناتی از تضادهای امپریالیست های جهان خوار نشان دهند.

افراد این شبکه، همواره در جبهه های مختلف، برای ایجاد ناراضی در میان مردم و بهره برداری از این ناراضی ها فعال بوده و هستند. گرانی و تورم و کمبایی را مضموعا دامن می زنند و بعد در میان مردم تبلیغ می کنند که انقلاب قادر به هیچ اقدام مثبت نیست و وضع کشور از بدتر شده است. کارگران را با اقدامات بی رویه خود عاصی و زمینه را برای اعتصاب و تحمیل فراهم می کنند، تا در روند تولید اختلال شود. کارخانه ها را تعطیل می کنند و کارگران را به بیخیا بانه می ریزند و بر شمار ناراضی ها می افزایند. در مشاغل حساس دولتی، چوب لای چرخ انقلاب می گذارند. و ارزشها را به صدارزش بدل می کنند. وقتی صحبت از پاکسازی است، نعل وارونه می زنند و سره و ناسره را با هم غریبال می کنند. اگر هدف طاغوت زدایی است، مظاهر طاغوت را در سطح بزرگتر و در عمق کوچکتر از آنچه هست، جلوه می دهند. شب و روز بوسیله ایادی خود در میان قشرها و صفوف مختلف نسبت به انقلاب و رهبران آن شایعاتی را پخش می کنند، که خود شایسته آنند، نسبت هایی می دهند که خود واجد آنند.

این شبکه خطرناک اذهان ساده و مستعد را نشانه می گیرد و از تمام نارسایی های ناگزیر و قابل اجتناب انقلاب، بسود خود بهره برداری می کند. در تانکسی، اتوبوس، سوپرمارت، نانوائی و کوجه و بازار، ناگهان دهانی به شکایت گشوده می شود که: می بینید کشور به چه روزی درآمده؟ امنیت نیست، رفاه نیست، صدرحمت به گذشته! کوینده خود را با انقلاب سازگار نشان می دهد و بر آن دل می سوزاند که، انقلاب چه عاقبت به ثر شده. ماهرانه هر خرابی و هرناسامانی را به انقلاب نسبت می دهد و می گذرد.

شبکه سیاسی ضدانقلاب با سوء استفاده زیرکانه از بذرافشانی خود، درخفا طرح کودتا می ریزد. این خنثی شد، یکی دیگر، اولی کشف شد، دومی، والی آخر.

باید با پیگیری در بازجویی و محاکمه دستگیر شدگان، سرخ شبکه پنهان سیاسی را بدست آورد و آنرا چنان درهم گوید، که دیگر برنخیزد.

بقیه از صفحه ۱

اعتراض عمومی...

وزارتخانه در دوران پس از پیروزی انقلاب تلقی کرد، بهمین جهت باید برای این اعتراض اهمیت خاصی قائل شد. زمامداران جمهوری اسلامی، قبل از آنکه ضدانقلاب بتواند بسود خود از این جریان استفاده کند و مواضع انقلاب را در برابر دشمن بزرگ آمریکای جنایتکار و عوامل سرسپرده آن در داخل تضعیف نماید، باید تامين خواسته های حق قاطبه کارگران را مورد توجه قرار دهند و آنها را برآورده سازند.

روابط بین کار و سرمایه در جامعه کنونی ایران، مسلما یکی از عمده ترین مسائل و یکی از ریشه های اصلی حوادث اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ما را در مرحله کنونی روابط بین کار و سرمایه، زحمتکشان و سرمایه داران تشکیل می دهد.

توده های میلیونی مستضعف و زحمتکش در دوران تسلط جابرانه طاغوت زیر شدیدترین و بیرحمانه ترین ماشین جهنمی استثمار، غارت و ظلم قرار داشتند. اینان، که خود نیروی محرکه اصلی انقلاب را تشکیل می دهند، خواهان آنند که به خواسته هایشان در دفاع از کار و زحمت، چنانکه قانون اساسی جمهوری اسلامی مفروضه است، پاسخ مثبت داده شود. زحمتکشان می خواهند، با لگو قوانین جابرانه و استثمارگری دوران طاغوت، در رژیم جمهوری موحبات رفاه و آسایش آنان و برخورداری از حاصل زحمتشان فراهم آید.

برابر آورده های میلیونی زحمتکشان، افشار محدود و محدود، ولی ذینفوذ سرمایه داران کلان و بزرگ مالکان، محترمان و سودجویان قرار دارند. اینان می خواهند دستاوردهای انقلاب را پایمال سازند، جامعه را در جهت تحکیم سلطه سرمایه و استثمار و تقویت مواضع خود سوق دهند. به دیگر سخن، هدف اینان احیاء نظام سرنگون شده، منتها در اشکال جدید و ظاهر فریب است.

در همه عرصه ها مبارزه های حیاتی بین این دو نیرو جریان دارد.

از آنجا که وزارت کار با یکی از اساسی ترین مسائل جامعه، یعنی روابط بین کار و سرمایه، سروکار دارد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. متناسب با این نقش، اقدامات و تصمیمات وزارت کار در تقویت و یا تضعیف نیروهای انقلابی و ضدانقلابی تاثیر شگرف می گذارد. بهمین جهت است که، از روی تصمیمات جزئی این وزارتخانه هم نمی توان گذشت، تاچه رسد به تصمیماتی نظیر تغییر و تبدیل در قوانین کار و بیمه و مسائل دیگر مربوط به روابط بین کار و سرمایه مانند همین لگو قانون شرکت کارگران در دریافت سود ویژه و نظایر آن.

امروز اکثریت نیروی قابل اشتغال در جامعه ما را کارگران و زحمتکشان، یعنی کسانی که نیروی کار خود را چه بصورت فیزیکی و چه فکری در معرض فروش می گذارند، تشکیل می دهند. اینان جز دستمزد یا حقوق منبع درآمد دیگری ندارند. انتظار این اکثریت عظیم آنست که، پس از پیروزی انقلاب شرایطی بوجود آورده شود که آنان بتوانند، با دریافت حداقل دستمزد و حقوق متناسب با هزینه زندگی، و افزایش آن بازم متناسب با هزینه زندگی، به بهبود دایمی وضع زندگی مادی و معنوی خود نائل آیند. و این نیز میسر نخواهد بود، مگر آنکه از جمله قوانین و نظامات ظالمانه دوران طاغوت، که کار و کارگر را در برابر تهاجم و غارت سرمایه و سرمایه دار بلا دفاع نگاه داشته بود، تغییر اساسی و بنیادی پیدا کند و قوانینی تنظیم و تصویب گردد که، به زحمتکشان اجازه دهد، از زیارت استثمار و حشانه و غارتگرانه خارج شوند و توانائی کامل دفاع از حقوق حقه و دسترنج خود را دارا گردند. چنانکه میدانیم چنین توانائی هنگامی در اختیار زحمتکشان قرار می گیرد که آنها بویژه از حق شکل آزاد در سازمانهای صنفی خود برخوردار باشند و بتوانند قدرت شکل خود را پشتوانه جلوگیری از تجاوز سرمایه و مهار زدن به افزون طلبی آن در عرصه های گوناگون روابط کار و سرمایه قرار دهند.

دولت و شورای انقلاب و بویژه وزارت کار در یکسال و نیمه ای که از پیروزی انقلاب می گذرد، انقلابی که بگفته ام انقلاب کوخ نشینان است نه فقط بوظایف خود در تحکیم موقعیت کار در جامعه پس از انقلاب عمل نکرده اند، بلکه بسیاری از اقدامات و مصوبات در این زمینه، بویژه در ماههای اخیر موصوبات تضعیف این موقعیت را فراهم کرده است.

شرکت دادن کارگران در دریافت سود ویژه و خرید سهام در دوران تسلط طاغوت از اقداماتی

بود که، جز تشدید استثمار و غارت کارگران، بازداشتن آنها از مبارزات اصل کاری و تحکیم سلطه رژیم استبدادی وابسته هدف دیگری را تعقیب نمی کرد. بدین جهت کاملا طبیعی است که کارگران زیر بار توطئه های ضدکارگری رژیم شاه سابق نرفتند. کارگران همیشه برای طرد قوانین و مقررات طاغوتی مبارزه می کردند. تجربه شرکت ۱۵ ساله کارگران در دریافت سود ویژه، از انقلاب کذائی سفید به بعد، به کارگران ایران ثابت کرد که آنها از قبل این سود نه فقط درآمد اضافی دریافت نکردند، بلکه قسمت مهمی از دستمزد واقعی خود را نیز از دست دادند. زندگی نشان داد که مکانیسم های قلابی مانند شرکت در دریافت سود ویژه و یا خرید سهام از جانب کارگران، که رژیم سرمایه داری اختراع کرده، جز تشدید استثمار و غارت دسترنج کارگران هدف دیگری را تعقیب نمی کند.

با چنین بینشی نسبت به قانون های طاغوتی، کاملا طبیعی است که کارگران ایران خود بدرستی خواستار لغو این قوانین بوده اند. کارگران قبل از آنکه وزارت کار این مسائل را عنوان کند، تغییرات اساسی و بنیادی را در روابط کار و سرمایه خواستار شده اند. لیکن سئوالی که مطرح می شود اینست که: مگر تنها سود ویژه است که بدترین قانون طاغوت در دوران سلطه رژیم خیانتکار و ضدکارگری شاه سابق است؟ جواب اینست که:

سود ویژه و خرید سهام تنها بخشی از قوانین ضدکارگری دوران طاغوت، آنهم قوانینی را تشکیل می دهد که به منظور ساکت نگاه داشتن کارگران، و اادار ساختن کارفرمایان به پرداخت بخشی از درآمد هائی که از دستمزد کارگران غارت می کردند، ابداع شده است. قوانینی که کارگر را در برابر تهاجم سرمایه و کارفرما بلا دفاع نگاه می دارد، بکارگر امکان شکل صنفی و استفاده از حق اعتصاب را نمی دهد، حق انعقاد پیمانهای دسته جمعی را از کارگران سلب می کند، تحت عنوان اضافه کاری و عدم شمول قانون بر کارگاههای کمتر از ده نفر، روز کار ۱۲ ساعته و بیشتر و شدیدترین انواع استثمار را به میلیونها کارگر تحمیل می کند، زنان و کودکان کارگر را در معرض استثمار قرون وسطائی باقی نگاه می دارد، و نظایر این قوانین، که هنوز دست نخورده باقی مانده اند - قوانینی بر مبنای طاغوتی تراز سود ویژه است، که وزارت کار از روی "دل سوزی" بحال کارگران بفکر لغو آن افتاده است.

استدلال مسئولین وزارت کار درباره ضرورت لغو سود ویژه و تعیین دو ماه پاداش بجای آن، نه فقط حقانیت کار آنان را تایید نمی کند، بلکه نشانگر عدم اطلاع آنان از مسائل کارگری و یا غرض در حل مسائلی است که کارگران خود بر آنها واقف کامل دارند.

کسی با دادن پاداش مخالف نیست، ولی اصل مسئله چیز دیگری است. حرف طبقه کارگر این است که، دستمزد واقعی او را بدهند و این در جامعه طبقاتی امروز ما ممکن نیست، مگر آنکه کارگران از حقوق اجتماعی و سیاسی، که خوشبختانه قانون اساسی جمهوری اسلامی آن را برسمیت شناخته، به تمام و کمال برخوردار شوند.

منافع واقعی کارگران، همانطور که در دوران طاغوت با برقراری سود ویژه و دیگر قوانین ظاهر فریب تامین نشد، اکنون نیز با تعیین دو ماه پاداش و مقرراتی از این قبیل تامین نمی گردد. همانطور که در بیانیه ۵۸ شورای اسلامی کارگری و سازمانهای دیگر در اعتراض به مصوبه جدید شورای انقلاب گفته می شود: " تنها سیستم صوفی و صحیح دستمزدها بطور عادلانه است"، که منافع کارگران را تامین می کند. امر اخیر نیز می تواند تنها از طریق تنظیم و تصویب قانون مترقی کار، متناسب با اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، قانونی که با مشورت و نظر خواهی از خودکارگران و سازمانهای اصل صنفی آنان تهیه و تنظیم گردد و از قوه به فعل درآید.

اقدامات وزارت کار و مصوبات اخیر ارگانهای عالی دولتی بیانگر آنست که، در سطح دولت و ارگانهای جمهوری اسلامی، رعایت حقوق کارگران و زحمتکشان، آنطور که امام خمینی گفته اند، مطرح نظر نیست. از این گذشته قدمهائی برداشته می شود، که بزبان کارگران و زحمتکشان است.

تجربه دوران پس از انقلاب حاکیست که، طبقه کارگر، ضمن اینکه باید مبارزه خود را در جهت سرکوب دشمن اصلی - امپریالیسم امریکای ضدانقلاب داخلی تسدید کند، در عین حال باید به شکل صفوف میلیونی خود در سازمانهای اصل صنفی بپیوندد، تا بتواند از منافع خود در مقابل تهاجم سرمایه دفاع بعمل آورد. غیر از این راه دیگری وجود ندارد.

رفیق گرامی و ارجمند احسان طبری

در گذشت مهندس ضیاء الدین طبری، برادر آن رفیق گرامی و ارجمند را، به شما و باز ماندگان آن شادروان، صمیمانه تسلیت می گویم.

بقیه از صفحه ۱

گرانی، زندگی زحمتکشان را...

بالا بردن ظرفیت تولید در واحدهای مشغول بکار و براه انداختن واحدهائی که پس از انقلاب تعطیل شده اند. در این ارتباط باید از هر گونه کار شکستی مدیران طاغوتی، که مانع جدی در راه افزایش تولید است، قویا "جلوگیری کرد و مواد اولیه و خام مورد نیاز ضایع را تهیه نمود.

۲- مبارزه با تورم وارداتی - پس از محاصره اقتصادی ایران بوسیله امپریالیسم امریکا و متحدان آن، قسمتی از کالا های مورد نیاز از طریق کشورهای ثالث، با قیمتی حدود ۳۰ درصد بیش از قیمت واقعی وارد میشود و این امر بنوبه خود به بالا رفتن سطح عمومی قیمتها کمک میکند.

۳- برای مقابله با این امر باید هر چه زودتر قرار دادهای بازرگانی با کشورهای که حاضر به فروش کالا به قیمت های بین المللی هستند، از جمله کشورهای سوسیالیستی، منعقد کرد، تا بعضی از کشورها نتوانند از این موقعیت بفرز ایران استفاده کنند.

۴- اصل ملی شدن بازرگانی خارجی باید بیدرتک بمرحله اجراء آید و سرمایه داران وابسته که جز سود سودهای کلان خود نمی اندیشند، از عرصه بازرگانی خارجی حذف شوند.

۵- تعادل بودجه کشور - یکی از عوامل تشدید تورم وجود کسری در بودجه مملکت است، که رقم آن در سال ۱۳۵۹ حتی بیش از سال قبل است.

برای کمک به پاشین آمدن نرخ تورم، لازم است هر چه زودتر با حذف هزینه های غیر ضروری و افزایش درآمدها، بودجه کشور متعادل گردد.

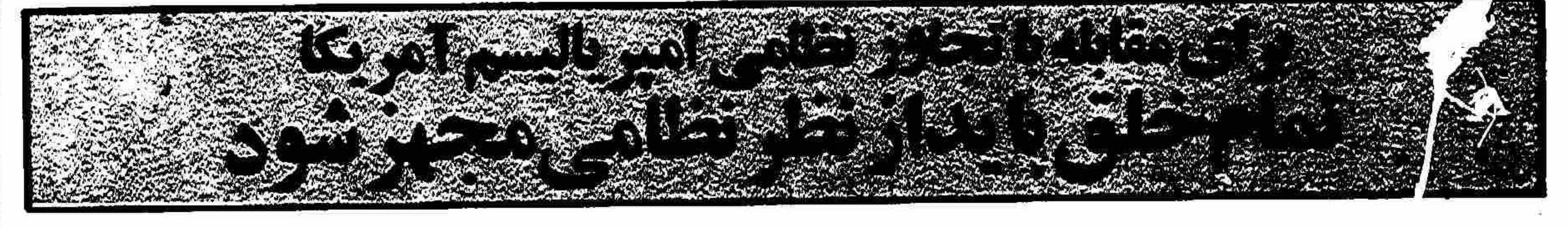
۶- کاهش حجم پول در گردش - پول در گردش بدون توجه به نیاز واقعی اقتصاد کشور، مرتبا در حال افزایش است. تا آنجا که میزان اسکناسهای منتشر شده از ۹۱۲/۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به مبلغ ۱۰۲۵۰ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۸ بالغ گردید و این افزایش در ماههای اول سال جاری نیز همچنان ادامه یافت.

بانک مرکزی ایران، که مسئولیت حفظ ارزش پول کشور را بر عهده دارد، باید با استفاده از ابزارهای اعمال سیاست پولی، پول در گردش را با احتیاج واقعی بازار منطبق کند و ارقام اضافی را از گردش خارج سازد، تا بدین طریق قدم اساسی در راه کاهش فشار تورم بر داشته شود.

لازم به تذکر است که هم آهنگ با سیاستهای پولی، باید از سیاستهای مالی نیز بهره گرفت و توجه وزارت امور اقتصادی و دارائی را به لزوم تنظیم سیاست مالی، که هدف آن افزایش درآمد دولت از طریق وصول هر چه بیشتر مالیات های مستقیم است، جلب کرد.

۷- تشویق مردم به پس انداز بیشتر - از طریق جلب اعتماد مردم به سیستم بانکی و توسل به اقدامات تشویق آمیز، باید مردم را به پس انداز کردن نزد بانکها بیش از گذشته ترغیب کرد و در نتیجه امکان سرمایه گذاری در رشته های تولیدی و در ارتباط با آن، کاهش میزان مصرف را فراهم ساخت.

۸- ایجاد فروشگاههای دولتی و شرکتهای تعاونی و مبارزه قاطع با محترمان و واسطه ها - با ایجاد فروشگاههای دولتی و شرکتهای تعاونی تولید و مصرف میتوان از اهمیت نقش واسطه ها در عرضه کالاها کاست و بتدریج بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان رابطه مستقیم برقرار کرد. این اقدام باید بمناب به یک قدم اساسی در راه مبارزه با گران فروشی تلقی کرد، و بر دولت است که هر چه زودتر اقدامات لازم برای تشکیل چنین فروشگاهها و شرکتهائی بعمل آورد. در کنار این اقدام، مبارزه جدی با محترمان و گران فروشان از اهمیت اساسی برخوردار است. از طریق توسل به این اقدامات میتوان به قابل تحمل کردن زندگی برای زحمتکشان کمک کرد و ضد انقلاب را نیز که کوشش به بد بینی کردن مردم نسبت به اقدامات اقتصادی دولت دارد، ناکام ساخت.



باز نشستگان فراری- تکیه گاه ضد انقلاب

ندانم کاری های دولت موقت که به نیکبختی مردم ایران عمرش بسر رسد و همناشی از خصلت سازشکارانه لیبرالی آن بود، اثرات سنگین خود را در تمام زمینه های اجتماعی- اقتصادی و سیاسی کشور به جای گذارده است و مرحله سوم انقلاب ما که پس از نطق تاریخی امام آغاز شد، برای رفع این آثار باید راهی بس دشوار طی کند.

لیبرال هایی که پس از انقلاب بهمن حکومت را در دست گرفتند، عقیده داشتند که با خلع محمد رضا و برقراری جمهوری، انقلاب پایان یافته است و وظیفه آنان اداره دولت در چارچوب همان قوانین و مقررات سابق است. پای بندی حکومت موقت به قوانین و مقررات سابق، از عدم اعتقاد آن به انقلاب، انقلابی که هدف اصلی آن درهم شکستن همین قوانین و مقررات بود، ناشی می شد. مردم انقلاب نگرده بودند که قوانین و مقررات سابق، که همه آنها به نفع ثروتمندان و صاحبان زور و زر وضع شده بود، هم چنان به جای خود باقی بماند. مسامحه دولت موقت در طرح، تدوین و تصویب قوانین انقلابی، که وضع طبقات حاکم را تغییر دهد و امکانات مادی برای روبرویی با انقلاب را از آنان سلب کند، موجب شد که ضدانقلابیون بتوانند در دوران پس از انقلاب، میلیاردها ریال دیگر به انواع وسایل از ایران خارج کنند و قدرت مالی خود را برای توطئه چینی و دسسه های ضد انقلابی در داخل کشور حفظ نمایند.

اعضای خاندان "جلیل" دهها میلیارد دلار از ثروت خود را قبل از انقلاب به سحل های امن در خارج از کشور منتقل کردند. امرای "میهن پرست" ارتش نیز، که امروز سروصدای "میهن پرستی" شان از قاهره و اسرائیل و عراق و لندن و پاریس و واشنگتن به گوش می خورد، به پیروی از "منویات ملوکانه" صدها میلیون دلار به بانک های خارجی فرستادند. وزراء و "ستولان" ملکیتی نیز از رهبر تاجدار خود عقب نماندند. در آن موقع حکومت به دست آنها بود و کسی قدرت نداشت مانع کار آنها بشود.

اما پس از آنکه انقلاب انجام گرفت و دولت موقت سرکار آمد، می توانست از خروج این سیل طلا به خارج جلوگیری کند. در دوران پس از انقلاب هواداران رژیم گذشته و سرمایه داران وابسته بطریق مختلف میلیاردها تومان از ایران خارج کرده اند. بخش بزرگی از این پول ها امروز برای ضربت زدن به انقلاب ایران صرف می شود. هزاران نفر از وابستگان به رژیم گذشته توانستند با استفاده از همان قوانین و مقررات طاغوتی ثروت های بزرگی را به خارج منتقل کنند. امروز صدها هزار ایرانی در کشورهای مختلف غریبی زندگی می کنند. بخش ناچیزی از آنان را جوانان دانشجو، وابسته به خانواده های متوسط و بی چیز تشکیل می دهند. باقی آنها درست از وابستگان متنعم دوران پهلوی هستند که به عناوین مختلف از ایران برایشان ارز فرستاده می شود. این آقایان از همان دورانی که "شاهنشاه آریامهر" هنوز بر سر قدرت بود، فکر روز مبادی خود را کرده و هریک برای خود "گوشه" دنجی " در اروپا یا آمریکا تهیه کرده بودند و همه آنها حقوق بازنشستگی خود را به ارز در خارج می گرفتند.

در دوران پس از انقلاب بر شمار این باز نشستگان بخصوص از میان افسران نیروهای مسلح بسیار افزوده شد. رقم دقیق ارزی که به عنوان حقوق بازنشستگی از ایران خارج می شود، بر ما معلوم نیست، این را بانک مرکزی ایران می داند. اما با در نظر گرفتن اینکه این آقایان چه حقوق های گزافی می گرفتند و حقوق بازنشستگی آنان نیز به همین میزان بالاست، می توان گفت که تا کنون چندین میلیارد ریال از ایران به صورت ارز خارج شده و مستقیم و غیرمستقیم به جیب مخالفان جمهوری اسلامی ایران سرازیر گشته است.

در بین ۵۰ تا ۶۰ هزار دانشجوی ایرانی که در کشورهای اروپای غربی و آمریکا تحصیل می کنند، اقلاً ۳۰ تا ۴۰ هزار نفرشان از همین خانواده های طاغوت زده مخالف با جمهوری اسلامی ایران هستند، که آنها هم میلیاردها ریال ارز صادر کرده اند.

زحمتکاران ایران باید این میلیاردها ریال را که در داخل کشور به آن تا این پایه برای سازندگی نیاز دارند، به موجب قوانینی که خود این آقایان وضع کرده اند، به آنان باج سبیل بدهند، تا در کشورهای اروپایی و آمریکا، در باشگاه ها و انجمن های خودشان نشسته برای ایران توطئه چینی کنند، مردم این کشورها را بر ضد انقلاب ایران تحریک کنند و گاهی هم سری به ایران بزنند و شبکه های ضد انقلاب را به هم مرتبط سازند.

برخی از همین آقا زادگان در مصر و عراق و اسرائیل برای ضربت زدن به انقلاب ایران آموزش نظامی می گیرند. آقایان خانه، ثروت و سهام خود را به اقوام و دوستانشان، که در ایران ساکن

بعد از شاه فبیت امریکا است



کاربروادات و سخن هنگام بارشمار مراسم بدسادی است



دیدار رهبران حزب کمونیست بریتال

و حزب کمونیست بلغارستان

آلوار کونیال، دبیرکل حزب کمونیست بریتال که در مسکو با رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی ملاقات کرده بود، وارد صوفیه پایتخت بلغارستان شد و با تئودور ژبوفک، رهبر حزب کمونیست بلغارستان گفتگوهایی پیرامون اوضاع اروپا و جهان

هستند، سپرده اند و درآمد هایشان را به صورت ارز تحصیلی یا از طریق شرکت هایی که با خارج معامله دارند، به اروپا و آمریکا منتقل می کنند. دستیاران آنان در داخل مباشرت کارهای آنان را به عهده گرفته اند و بین ضدانقلاب در داخل و خارج پل زده اند.

سلب امکانات مادی از ضدانقلاب، که یکی از قوانین تحلیف ناپذیر هر انقلاب مردمی است، نه تنها انجام نگرفت بلکه وابستگان به رژیم گذشته، که در دستگاه های اداری مربوطه نیز جای گرفته بودند و تمام روح و قلبشان شیفته دوران "شکوفایی" گذشته است، تمام تسهیلات لازم را برای تقویت مادی ضدانقلاب فراهم کرده و می کنند. سرویس های دولتی، شرکت ها و موسسات خصوصی کشورهای امپریالیستی نیز به ضدانقلابیون ایرانی از هر جهت، بخصوص در نقل و انتقال ارز، که به سود آنان نیز هست، کمک می کنند.

بسیاری از کارکنان سازمان های مختلف خارجی (چه اروپایی و چه غیراروپایی) از ضدانقلابیون در ایران به ریال پول گرفته و در خارج (المته یا ترخی بالاتر از نرخ رسمی) به آنان ارز می دهند. ضدانقلابیون برای خارج کردن ارز قاچاق از کشور وسایل مختلف دیگری نیز در دست دارند.

مسامحه دولت موقت در انجام اقدامات قاطعی که باعث سلب امکانات مادی ضدانقلاب بشود، به ضدانقلابیون امکان داد که پس از انقلاب بخش مهمی از ثروت های خود را به خارج از کشور منتقل کنند و نه تنها همان زندگی طبقاتی سابق خود را با پول مردم ایران در شرایطی بهتر ادامه دهند، بلکه قسمتی از آن را نیز برای اقدامات مستقیم تر بر ضد انقلاب ایران صرف کنند.

به عقیده ما یکی از مهمترین وظایف دولت کنونی انجام اقداماتی است که دولت موقت در اجرای آن مسامحه کرده است. باید امکانات مادی توطئه را از ضدانقلاب سلب کرد. بازگرداندن ثروت هایی که محمدرضا و "سردارانش" دزدیده و از ایران برده اند یکی از اقداماتیست که باید در این زمینه صورت گیرد. اما مهمتر از آن جلوگیری از سیل خروج ارز در حال حاضر است. اهمیت مسئله تنها از نظر اقتصادی نیست، بلکه به لحاظ سیاسی نیز باید از خروج ارز، که موجب تقویت ضد انقلاب می گردد، جلوگیری کرد. اگر پولی برای تحصیل باید به خارج فرستاده شود، منحصر باید به دست فرزندان طبقات مدافع جمهوری اسلامی برسد. "آقایان" خودشان خرج تحصیل فرزندان شان را بدهند. آن کسی که به حقوق بازنشستگی نیاز دارد باید به کشور باز گردد. ولی ما مطمئنیم که حتی یک نفر از فراریان نیز برای گرفتن حقوق بازنشستگی زحمت بازگشت به ایران را به خود نخواهند داد. قطع حقوق بازنشستگی فراریان ضد انقلابی اقدامی لازم است. اما از آن مهمتر، سد کردن تمام راه هاییست که ضدانقلابیون از ایران ارز خارج می کنند. این راه ها نیز یکی دوتا نیست.

و همکاری های هرچه سسر دوحرب انجام داد. رهبران احزاب کمونیست بریتال و بلغارستان، در جریان این ملاقات گسترش تشنج زدایی و جلوگیری از افزایش مابقیه تسلیماتی را وظیفه ای بسیار مهم دانستند و اعلام کردند که لازم است باتمام قوا از بازگشت جهان به جنگ سرد، که محافل امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، خواهان آن هستند، جلوگیری کرد.

رهبران دوحزب برادر و لزوم تحکیم هرچه بیشتر همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و همکاری میان همه نیروهای انقلابی جهان و تحکیم اقدام بیکارچه نیروهای دموکراتیک و صلح دوست را برای استقرار صلح و خلع سلاح مورد تاکید قرار دادند.

کونیال و ژبوفک آمادگی دوحزب را برای گسترش همکاری متقابل براساس مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری اعلام کردند.

ویلیام کاشتن، دبیرکل حزب کمونیست کانادا، که شاهد برگزاری بازیهای المپیک مسکو بود، گفت:

"این بازیها یک موفقیت بسیار بزرگ در راه پیشبرد آرمان صلح و همبستگی جوانان و ضریمای بسیار شدیدی به سیاست جنگ سرد امپریالیست ها بود."

دبیرکل حزب کمونیست کانادا تاکید کرد که سیاست امپریالیسم آمریکا در مورد تحریم بازیهای مسکوباشکستی بسیار فاجحی روبرو شد و در این میان دنباله روی کانادا از آمریکا با تأسف شدید محافل اجتماعی کانادا روبرو شد.

وی گفت که اما مردم کانادا از این رویداد درس گرفتند و بیش از این به امپریالیسم آمریکا اجازه نخواهند داد که بشیرمانه درامورد داخلی این کشور مداخله کند.

دبیرکل حزب کمونیست کانادا یادآور شد که تدارک برای برگزاری بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی با علاقه فراوان در کانادا دنبال می شود، زیرا کنفرانس های حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره مبشر صلح و همکاری بوده است.

سیاست خارجی یکن تجاوزکارانه و برتری طلبانه است

سمبوزیوم مسائل چین و هند در دهلی نوبه کار خود پایان داد. در این سمبوزیوم با ارائه اسناد و مدارک نشان داده شد که سیاست خارجی یکن سیاستی تجاوزکارانه و برتری طلبانه است. از جمله سیاست مائوئیست های یکن در مورد تجاوز علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، کمک به بقایای پانده جنایتکار یول پوت - بنگ ساری و صلح کردن ضدانقلابیون افغانی شدیداً محکوم شد.

در جریان مباحثات سمبوزیوم بر روی این مسئله تاکید شد که روند نزدیکی آمریکا و چین، زاین و پاکستان برای استقلال و مبارزه آزادی بخش خلق های منطقه بویژه خطرناک است. سمبوزیوم همچنین ادامه اشغال هزاران کیلومتر از خاک هند را وسیله نیروهای چینی محکوم کرد.

درجهای سوسیالیسم

کشاورزی رشد یافته در چکسلواکی

یکی از ویژگی های کشاورزی چکسلواکی، تولید بزرگ سوسیالیستی، مبتنی بر سطح عالی مکانیزاسیون است. در بخش کشاورزی این کشور ۱۳/۹ درصد زحمتکاران آن کشور اشتغال دارند (در سال ۱۳۲۷، این رقم ۴۰/۴ بود).

کشاورزی چکسلواکی قسمت اعظم نیازمندی های غذایی مردم آن کشور را تأمین میکند و منبع مواد خام برای برخی از رشته های صنعتی است. برخی از فرآورده های کشاورزی چکسلواکی، از جمله شکر، صادر نیز میشود. بخش سوسیالیستی کشاورزی چکسلواکی، که ۹۴/۲ درصد زمین های کشاورزی را در بر میگیرد، دو شکل عمده دارد: تعاونی های کشاورزی و بنگاه های دولتی. در سال ۱۳۵۵، ۳/۵ درصد اراضی کشاورزی در اختیار ۲۰۹۹ تعاونی کشاورزی و ۲۰ درصد زیر نظر ۱۹۳ بنگاه دولتی بود. میانگین زمین زیر کشت تعاونی ها و بنگاه های دولتی بر ترتیب ۲۰۰۰ و ۲۰۹۹ هکتار بود.

۴۴/۶ درصد تولید کشاورزی محصول گیاهی و ۵۵/۴ درصد فرآورده دامپروری است.

مهم ترین بخش های دامپروری چکسلواکی پرورش گاو، خوک و طیور است. عمده ترین محصولات گیاهی، غلات، بویژه گند (در سال ۱۳۵۵، ۴۸۰۶۹۵۶ تن) است. کشاورزی چکسلواکی همچنین انواع جو و چاودار تولید میکند. تولید چغندر قند و سیب زمینی در چکسلواکی بر ترتیب ۵۲۴۷۵۷۳ و ۴۲۱۴۱۱۶ تن است.

درجهای سرمایه داری

راهپیمائی دانمارکی ها علیه بیکاری

چند روز پیش دفتر آمار بازار کار در کپنهاگ اعلام کرد، که در ماه آوریل بیش از ۱۰۵۰۰۰ دانمارکی بیکار بودند. سی و یک هزار نفر از اینان بیش از شش ماه است، که در جستجوی کار هستند.

از سوی دیگر، گزارش سالنامه آمار ۱۹۷۹، که همزمان با گزارش دفتر آمار بازار کار منتشر شد، در سال گذشته ۵۷۸۰۰۰ دانمارکی نوعی از بلیه بیکاری متاثر گردیدند. این گزارش بیکار نمونه وار را زنان ۲۰-۲۴ ساله می خواند و می افزاید که ۱۶/۸ درصد زنان در این گروه سنی بیکار بودند.

در جنبش سندیکایی دانمارک، هرچه بیشتر این ندا برمی خیزد، که زحمتکاران باید در مبارزه علیه این پدیده شوم جامعه سرمایه داری متحد شوند. برای نمونه، سیناری که چندین پیش در "آرپوس" برگزار گشت، همه سازمان های سندیکایی را فرا خواند تا در روزهای ۱۸-۶ شهریور در راهپیمایی علیه بیکاری شرکت کنند. قرار است، که این راهپیمایی سر آغاز سیج جنبش سندیکایی علیه سیاست اقتصادی بیکاری پرور دولت دانمارک باشد. بیش از ۲۰۰ اتحادیه حرفه ای در راه پیمایی نامبرده شرکت خواهند کرد.

امریکا اکنون آشکارا به باندهای ضدانقلابی

افغانستان کمک می کند

امپریالیسم آمریکا، که توطئه وقیحانه خود را برای نابود کردن انقلاب افغانستان با شکست روبرو می بیند، تلاش های مذبحخانه خود را برای خرابکاری در انقلاب این کشور افزایش داده و از جمله تصمیم گرفتار است که تحت دستاویزهای باصطلاح بشردوستانه، باندهای ضدانقلابی افغانی را در پاکستان هرچه بیشتر مسلح کند.

دولت کارتر اعلام کرده است که ۱۹ میلیون دلار دیگر بعنوان "کمک های انسان دوستانه" در اختیار "افغان ها" قرار خواهد داد. دولت آمریکا صلا اعلام کرده بود که ۲۵ میلیون دلار در اختیار "افغان ها در پاکستان" قرار خواهد داد.

امپریالیسم آمریکا، که تاکنون بشیرمانه هر نوع "کمک" به باندهای افغانی را تکذیب می کرد، با توجه به حقایق غیرقابل انکار، اکنون مجبور شده است که همکاری با گروه های افغانی را تأیید کند.

کمک های مستقیم آمریکا به باندهای ضدانقلابی تحت دستاویزهای متعددی همچون "کمک های بشر دوستانه" (!) صورت می گیرد و کمک های غیرمستقیم نیز مانند گذشته از طریق رژیم دست نشانده "صا" - الحق در اختیار می آید. باندهای افغانی فرار می کنند.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلان و محترکان است

کارخانه‌های کچ‌پزی برای جوان (گورستان انسانی که ایستاده می‌میرند)

مسائل کارگری

در شهر بزازجان، مرکز شهرستان دشتستان تعدادی کارخانه کچ‌پزی وجود دارد، که بیشتر آنها در محله حسین آباد، محله فقیرنشین بزازجان، در شمال این شهر قرار گرفته است.

ساکتین این محله روستاییان مهاجری هستند که بدن‌های لاجرم بی‌سوی "دروازه تمدن بزرگ آریامهر" هستی از کف داده، به شهر مهاجرت کرده اند و اکنون در شهر بزازجان کار مزدوری امرا معاش می‌کنند.

سرو صدا و دود این کارخانه‌ها زنده‌گی زحمتکشان ساکن در این منطقه را بخاطر آلودگی و آلودگی و محیط زیست را برای آنها تبدیل به جهنم کرده است. گروه ساکتین این محله بارها و بارها به فرمانداری و شهرداری شکایت برده اند و هر بار به آنها قول داده اند که کارخانه‌ها را به خارج از شهر منتقل می‌کنند، اما بی‌اعتنا به شکایت‌ها کارخانه‌ها در همان محل باقی مانده است.

در دو کارخانه متعلق به آقایان حسین بهبود و غریب زاده، کارگران از سراسر آذربایجان و بیگاری حاضر به صحبت نشدند، به کارخانه‌های متعلق به آقای حاج سیدباقر حسینی راهداری (نایب رئیس ساکتین مستقیم بزازجان) می‌رویم و با یکی از دوازده کارگریشان، بنام آقای اسماعیل زنجریسم، وارد محبت می‌شویم.

بعد از سلام و احوال‌پرسی، از او می‌خواهیم اطلاعاتی درباره وضع کار روز زندگی خود در اختیار ما بگذارد. می‌گوید:

"۱۷ سال دارم. بی‌اعتناست دادن پدرم، سرپرستی خانواده بمن محول شده است و مجبورم هزینه یک خانواده ۵ نفری مرکب از مادر، برادر کوچک خواهرم را تامین کنم."

چند ساعت کار در روز انجام می‌دهی؟
"۱۲ ساعت، یعنی از ساعت ۶ صبح تا ساعت ۶ بعد از ظهر، ساعت استراحت و از ساعت ۸ بعد از ظهر تا ۸ بعد از ظهر کار می‌کنم."

چقدر حقوق می‌گیری؟
"روزی ۷۰۰ ریال. البته هر روزی که کار کنم، این حقوق را بمن میدهند. روزهای تعطیل رسمی کارگری هم که حقوق نمی‌گیرم. تازه اگر روزی اضافه کاری کنیم (که بیشتر روزها اضافه کار می‌کنند)، با بیست آن پولی بماند."

در سال چند روز تعطیل دارید؟
"هیچ، چون فقط روزی حقوق می‌گیریم که کار کنیم."

آیا بیمه هست؟
"خیر، بیمه نیستیم. تازه در محیط کار هم با اینکه همیشه با خطر دست‌بگریبان هستیم و مرگ ما را تهدید می‌کند، جمبه‌های اولیه نداریم و اگر کارگری در حین کار ناقص شود، یا احتیاج با استراحت پیدا کند یا تمام مدت بستی و استراحت را با خانواده خود روزه بگیرد."

ولی گروه‌های چپ‌نما، همگام با سرمایه‌داران وابسته، هم‌زمان با تحریم اقتصادی امپریالیسم و با استفاده از مشکلات بعد از انقلاب و اعمال دست‌نهایی دولت در مورد عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران و ایجاد زمینه ناراضی در میان آنها، از هیچ عمل فدا‌نقلایی در جهت اخلال و کار شکنی در تولید و ایجاد دهن و به تعطیل کشاندن مراکز تولیدی فروگذار نکردند.

بعد از انقلاب، گردستان به بی‌اعتنا و فرقه عقب ماندگی اقتصادی، بویژه کمبود کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و صنعتی و در نتیجه ضعف کمی کیفی طبقه کارگران یک سو، مسامحه و عدم رسیدگی دولت در برسمیت شناختن حقوق حقه این مردم رنج دیده از سوی دیگر، به محیط مناسبی

برای رشد عوامل چپ‌نما و فدا انقلاب، که داعیه دفاع از حقوق خلق کرد و در این راه، در آمده است. این عوامل، که از همان پیدایش جنگ برادر کشی در کردستان، هرجا که جنگل و کوهی می‌پایند و سبیل و کلنگ می‌بینند، به یاد آرایش شوریه‌های کاذب خود می‌افتند و خون مردم‌کورد را و شقیه شوریه‌های فدا‌نقلایی خود کرده‌اند، بعد از گذشت جریانات سنج، و سفر و بی‌اعتنا، کوشش خود را در به تعطیل کشاندن کوره‌های آجرپزی مها بادیوس پس ایجاد دهن، که جزئی از اعمال ضد - انقلابی آنها در ایجاد دهن و شمشیر نا سالم و بلااثره درگیری و جنگ برادر کشی است، بکار می‌برند.

نامه "مردم" (شماره ۲۶۵) مشکلات کارگران کوره‌های آجرپزی مها بادیوس را مورد توجه و به‌شدت سختی و مشقات کار و عدم امکان تأمین رفاه آنها مطرح کرد و اجرای دقیق خواسته‌های کارگران زحمتکش را از مسئولان امر طلب نمود.

تا این وضع مورد سوء استفاده چپ‌نمایان و عوامل فدا‌نقلایی در به تعطیل کشاندن این کارگاهها و حوادث بعدی، خصوصاً در شرایط ویژه گردستان، قرار نگرفت. در ادامه اقدام مسئولان توده‌خیزان

وایستادگی در برابر محاصره اقتصادی ایران از طرف امپریالیسم، که از ابزارهای شکست انقلاب ایران است، چه با یادکرد امام خمینی و نیروهای اصیل انقلابی، از جمله حزب توده ایران در این باره از کارگران خواستند که تمام سعی و کوشش خود را در جهت کار ریه تولید و با روری بیشتر بکار ببرند، و لحق که کارگران، این پاسداران واقعی دستاوردهای انقلاب، تمام کمبودها و مشکلات را به جان خریدند و ندانند به جگر گذاشتن و به وظیفه انقلابی خود عمل کردند.

سرمایه‌داران وابسته، هم‌زمان با تحریم اقتصادی امپریالیسم و با استفاده از مشکلات بعد از انقلاب و اعمال دست‌نهایی دولت در مورد عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران و ایجاد زمینه ناراضی در میان آنها، از هیچ عمل فدا‌نقلایی در جهت اخلال و کار شکنی در تولید و ایجاد دهن و به تعطیل کشاندن مراکز تولیدی فروگذار نکردند.

بعد از انقلاب، گردستان به بی‌اعتنا و فرقه عقب ماندگی اقتصادی، بویژه کمبود کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و صنعتی و در نتیجه ضعف کمی کیفی طبقه کارگران یک سو، مسامحه و عدم رسیدگی دولت در برسمیت شناختن حقوق حقه این مردم رنج دیده از سوی دیگر، به محیط مناسبی

برای رشد عوامل چپ‌نما و فدا انقلاب، که داعیه دفاع از حقوق خلق کرد و در این راه، در آمده است. این عوامل، که از همان پیدایش جنگ برادر کشی در کردستان، هرجا که جنگل و کوهی می‌پایند و سبیل و کلنگ می‌بینند، به یاد آرایش شوریه‌های کاذب خود می‌افتند و خون مردم‌کورد را و شقیه شوریه‌های فدا‌نقلایی خود کرده‌اند، بعد از گذشت جریانات سنج، و سفر و بی‌اعتنا، کوشش خود را در به تعطیل کشاندن کوره‌های آجرپزی مها بادیوس پس ایجاد دهن، که جزئی از اعمال ضد - انقلابی آنها در ایجاد دهن و شمشیر نا سالم و بلااثره درگیری و جنگ برادر کشی است، بکار می‌برند.

نامه "مردم" (شماره ۲۶۵) مشکلات کارگران کوره‌های آجرپزی مها بادیوس را مورد توجه و به‌شدت سختی و مشقات کار و عدم امکان تأمین رفاه آنها مطرح کرد و اجرای دقیق خواسته‌های کارگران زحمتکش را از مسئولان امر طلب نمود.

تا این وضع مورد سوء استفاده چپ‌نمایان و عوامل فدا‌نقلایی در به تعطیل کشاندن این کارگاهها و حوادث بعدی، خصوصاً در شرایط ویژه گردستان، قرار نگرفت. در ادامه اقدام مسئولان توده‌خیزان

فعالیت‌های گروه‌ها و انجمن‌های افغانی در ایران به نفع کیست؟

در خراسان از پیشاور دریافت می‌کنند، از منابع آمریکایی و "سیا" است و مستشاران و ما موران "سیا" آمریکا از این طریق به عمل خود در ایران بوسیله افغانی‌های مقیم ایران در تماس هستند و آنان را اداره و راهنمایی می‌کنند.

در محله مسلمانان که همین چندی پیش به یک پادگان نظامی در تهران بقصد تصرف پادگان انجام گرفت و با درگیری مسلحانه‌ای که بیش از هفت ساعت ادامه یافت، پنج تن از مهاجمان دستگیر شدند، که طبق اطلاع رسمی منتشره در مطبوعات، یک تن از مهاجمان دستگیر شده افغانی بوده است.

شرکت یک افغانی در این جلسه مسلحانه به پادگان نظامی در ارتباط با اطلاعیه دادگاه انقلاب مشهد در مورد تعطیل دفاتر جمعیت‌های افغانی بی‌اعتنا به فعالیت‌های غیرقانونی اعضای آن و ارتباط آنها با منابع آمریکا، با اهمیت این دفا تر جمعیت‌های افغانی و اعضاء و افراد وابسته به آنها را بی‌عربی افشاء می‌کنند و آشکارا نشان می‌دهد که عنوان "اسلامی" که این جمعیت‌ها و گروه‌های افغانی بر روی خود نهاده‌اند، استارمناسی است جهت برده پوشی فعالیت‌های جنایتکارانه و ارتباط آنها با عناصر و نیروهای فدا‌نقلایی درون کشور و منابع جاسوسی آمریکایی در درون کشور و خارج از آن.

در شرایطی که از جانب امپریالیسم آمریکا توطئه جدید بزرگی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده می‌شود و تمام نیروها و امکانات فدا انقلاب در درون کشور جهت اجرای این طرح بکار گرفته می‌شود، بدون تردید وجود گروه‌ها و جمعیت‌های افغانی مشکوک و فعالیت‌های اعضاء و افراد وابسته به این گروه‌ها از مسائل مناسبی است که می‌توانند در اجرای این طرح بکار گرفته شوند.

ارگانها و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران موظفند در چنین شرایطی، با توجه به هویت مشکوک این سازمانها و جمعیت‌های افغانی و فعالیت‌های مخرب و شرکت‌های اعضاء و افراد وابسته به آنها در سرقت‌های مسلحانه، قتل و خرید و فروش مواد مخدر و اسلحه، از فعالیت آنها جلوگیری بعمل آورند و این وسیله فدا انقلاب و منبع ارتباط با عمل آمریکایی در درون کشور را خنثی کنند.

درباره اتحادیه تاکسی رانان سنج

این اتحادیه دارای ۱۷۰ عضو است و از طرف شهرداری به رسمیت شناخته شده است. متأسفانه بی‌اعتنا به انتخاب ضابطه نادرست و توجه به روابط دوستی و سابقه و این قبیل معیارها، اکثر اعضاء هیئت مدیره با استفاده از نفوذ شخصی انتخاب شده‌اند و همانهایی هستند که در زمان رژیم منحوس گذشته همه‌کاره اتحادیه بودند.

اعضای این اتحادیه تحت پوشش بیمه درمانی نیستند و حقوق بازنشستگی هم ندارند. اتحادیه جلسات منظمی ندارد و با اینکه تومبیل‌های شخصی در سطح شهر گرایه‌کشی می‌کنند، اتحادیه تاکنون اعتراضی نکرده است.

کامریتی که اتحادیه تاکنون انجام داده، واگذاری شماره‌های تاکسی جدید به افراد زحمتکش و واجد شرایط بوده است.

۳- دوروز حق اعتبار کارگران به روال کارکرد روزهای قبلی حساب و به کارگران پرداخت گردد. متن توافق‌نامه کارگران آجریزی اتحادیه کارفرمایان و نماینده شورای انقلاب اسلامی شهرستان مهاباد (۵۹/۴/۳۱).

۱- کلیه طلب‌های کارگران از تاریخ ۵۹/۴/۳۱ به مدت ده روز پرداخت گردد. ۲- دستمزد سه روز حق اعتبار کارگران به روال دستمزد کارکرد روزهای قبل.

۳- دستمزد کارگران ماه به ماه پرداخت گردد، و اگر کارگران بول لازم داشتند بصورت مساعده در اختیارشان قرار گیرد.

۴- کارفرما متعهد می‌شود که وسایل کار لازم را در اختیار کارگران قرار دهد.

فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های افغانی در ایران، که همه خود را "اسلامی" اعلام کرده‌اند، طبق گزارشها و اخباری که اغلب در مطبوعات کشور انتشار می‌یابد و نیز در بیانات پاره‌ای از مقامات مسئول به آنها اشاره می‌شود، فعالیت‌های است مشکوک، زبان آور و در موارد بسیاری علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، این گروه‌ها و انجمن‌ها، علاوه بر فعالیت‌های عملی، به انتشار اعلامیه و بیانات نیز می‌پردازند و فعالیت‌های تخریبی و تبلیغاتی بر- دامنه‌های دارند، که اغلب آنها در مطبوعات کشور هم بازتاب می‌یابد.

افراد وابسته به این گروه‌ها و انجمن‌های به اصطلاح اسلامی، که فعالیت‌های خود را در ارتباط با رویدادهای افغانستان و "جنبش مسلمانان افغانستان" علیه دولت قانونی آن کشور توجیه می‌کنند، طبق اخبار منتشر شده در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، اغلب به جرم سرقت، قاچاق مواد مخدر، خرید و فروش اسلحه، رواج فساد و غیره از طرف مقامات و ما موران انتظامی دستگیر و معارفات می‌شوند. فعالیت‌های سیاسی این گروه‌ها و انجمن‌ها نیز کاملاً مشکوک و منافی با منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

در اطلاعیه‌ای که چندین پیش از جانب جمعیت اسلام فاشی، رئیس دادگاه انقلاب و فرمانده سپاه پاسداران مشهد، مبنی بر بستن دفاتر "جمعیت‌های اسلامی افغانی" در مشهد صادر گردید، تصریح شده است که، افراد وابسته به این جمعیت‌ها به قاچاق مواد مخدر و اسلحه می‌پردازند و سران آنها با عمال جاسوسی امپریالیسم آمریکا در تماس هستند.

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

از جانب دیگر، روسای اردوگاه فراریان افغانی در خراسان بسا اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در خاک پاکستان ارتباط دارند و رهنمودها و دستورات روسای اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور را اجرا می‌کنند. در حالیکه اردوگاه فراریان افغانی در پیشاور در پاکستان توسط ما موران سرشناس اداره جاسوسی آمریکا سیا و مستشاران نظامی آمریکا اداره می‌شود و بدین ترتیب رهنمودها و دستوراتی که مسئولان اردوگاه افغانی

چپ‌نمایان و کورمه‌های آجرپزی مهاباد



همه میدانیم که در برابر محاصره اقتصادی ایران از طرف امپریالیسم، که از ابزارهای شکست انقلاب ایران است، چه با یادکرد امام خمینی و نیروهای اصیل انقلابی، از جمله حزب توده ایران در این باره از کارگران خواستند که تمام سعی و کوشش خود را در جهت کار ریه تولید و با روری بیشتر بکار ببرند، و لحق که کارگران، این پاسداران واقعی دستاوردهای انقلاب، تمام کمبودها و مشکلات را به جان خریدند و ندانند به جگر گذاشتن و به وظیفه انقلابی خود عمل کردند.

سرمایه‌داران وابسته، هم‌زمان با تحریم اقتصادی امپریالیسم و با استفاده از مشکلات بعد از انقلاب و اعمال دست‌نهایی دولت در مورد عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران و ایجاد زمینه ناراضی در میان آنها، از هیچ عمل فدا‌نقلایی در جهت اخلال و کار شکنی در تولید و ایجاد دهن و به تعطیل کشاندن مراکز تولیدی فروگذار نکردند.

بعد از انقلاب، گردستان به بی‌اعتنا و فرقه عقب ماندگی اقتصادی، بویژه کمبود کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و صنعتی و در نتیجه ضعف کمی کیفی طبقه کارگران یک سو، مسامحه و عدم رسیدگی دولت در برسمیت شناختن حقوق حقه این مردم رنج دیده از سوی دیگر، به محیط مناسبی

برای رشد عوامل چپ‌نما و فدا انقلاب، که داعیه دفاع از حقوق خلق کرد و در این راه، در آمده است. این عوامل، که از همان پیدایش جنگ برادر کشی در کردستان، هرجا که جنگل و کوهی می‌پایند و سبیل و کلنگ می‌بینند، به یاد آرایش شوریه‌های کاذب خود می‌افتند و خون مردم‌کورد را و شقیه شوریه‌های فدا‌نقلایی خود کرده‌اند، بعد از گذشت جریانات سنج، و سفر و بی‌اعتنا، کوشش خود را در به تعطیل کشاندن کوره‌های آجرپزی مها بادیوس پس ایجاد دهن، که جزئی از اعمال ضد - انقلابی آنها در ایجاد دهن و شمشیر نا سالم و بلااثره درگیری و جنگ برادر کشی است، بکار می‌برند.

نامه "مردم" (شماره ۲۶۵) مشکلات کارگران کوره‌های آجرپزی مها بادیوس را مورد توجه و به‌شدت سختی و مشقات کار و عدم امکان تأمین رفاه آنها مطرح کرد و اجرای دقیق خواسته‌های کارگران زحمتکش را از مسئولان امر طلب نمود.

تا این وضع مورد سوء استفاده چپ‌نمایان و عوامل فدا‌نقلایی در به تعطیل کشاندن این کارگاهها و حوادث بعدی، خصوصاً در شرایط ویژه گردستان، قرار نگرفت. در ادامه اقدام مسئولان توده‌خیزان

وایستادگی در برابر محاصره اقتصادی ایران از طرف امپریالیسم، که از ابزارهای شکست انقلاب ایران است، چه با یادکرد امام خمینی و نیروهای اصیل انقلابی، از جمله حزب توده ایران در این باره از کارگران خواستند که تمام سعی و کوشش خود را در جهت کار ریه تولید و با روری بیشتر بکار ببرند، و لحق که کارگران، این پاسداران واقعی دستاوردهای انقلاب، تمام کمبودها و مشکلات را به جان خریدند و ندانند به جگر گذاشتن و به وظیفه انقلابی خود عمل کردند.

آماده باش!

فاتحه بزرگ مالکی خوانده میشود

دهقانان عزیز!

به کوری چشم ضدانقلاب که توطئه شوم کودتای نظامی اش در هم شکسته شد و علی رغم تهدیدهای شاپور بختیار «این نوکر بی اختیار» شیطان بزرگ آمریکا، که آرزوی نحس خود را به گور خواهد برد، اصلاحات ارضی در حال انجام است. هیئت‌های ۷ نفره تشکیل شده و می‌شود و واگذاری زمین‌ها دارد عملی می‌شود. انجام اصلاحات ارضی، یعنی کندن ریشه‌های زمین‌داران بزرگ و خوانین، یعنی زمین‌دار شدن همه دهقانان تهری دست. این کار، اگر به همت و هشیاری شما عملی شود ضربه‌ای جدی است به ضدانقلاب که چشم ناپاک اپرالیسم را کورتر خواهد کرد و انقلاب بزرگ ما را پیروزمندتر. علی‌رغم توطئه‌های بزرگ مالکان، وسم‌پاشی «چپ‌نماها» و مقاومت روحانی‌نماها و دارودسته طاغوتی که در دستگاه دولتی لانه کرده‌اند و همه مانع کار می‌شوند، همه با هم باید بکوشیم تا در آینده نزدیک فاتحه بزرگ مالکی در ایران خوانده شود. همه شما باید نظارت بکنید و آماده باشید تا با تکیه به این حق قانونی خود و با حمایت نهادهای انقلابی نظیر سپاه و جهاد و همه نیروهایی که طرفدار حقوق شما هستند فاتحه بزرگ مالکی خوانده شود. این بیسته به

خود شما است تا هر چه زودتر و قاطع‌تر لاشه این میت را از ده بیرون اندازید. به قول حافظ «بر او نمرده، به فتوای من نماز کنید». آری دهقانان زحمتکش ایران، از همین حالا نماز میت بزرگ مالکان را بخوانید! و فصل تازه‌ای را در زندگی خودتان و کشور عزیزمان ایران آغاز کنید.

آماده باشید و فعالیت کنید!

به نکات زیر توجه کنید:

۱- دورهم گرد آید، در هر جایی که همه معمولاً جمع می‌شوید باز جمع شوید. اگر کمیته‌های دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین دارید همه به دور کمیته جلسه‌ای درست کنید. اگر هم ندارید جمع شوید و صحبت کنید. در این باره که قانون اصلاحات ارضی همین روزها باید در دهات شما هم اجرا شود بحث کنید. برای اجرای اصلاحات ارضی به سازمان‌های دولتی رجوع کنید. نمایندگان خود را انتخاب کنید که در هیئت هفت نفری مدافع نظریات شما باشند.

۲- در صورت پیدا شدن مشکل به مبارزان جهاد سازندگی رجوع کنید و از آنان بخواهید تا شمارا یاری دهند هم‌چنین اگر آنها از شما کمک خواستند به فوریت برای مقابله با

اربابان، به یاری جهاد بشتابید. ۳- اگر مالکان دست به توطئه زدند سپاه پاسداران را فوری آگاه سازید و از مزارع و محصولات و خرمن‌ها و انبار و ماشین آلات محافظت نمایید. این‌ها ممکن است دست به جنایت و خرابکاری بزنند. بیدار باشید و جلوی آنها را با کمک پاسداران غیور بگیرید.

۴- در صورت بروز خطر از جانب مالکان بزرگ و چماقداران و عوامل مسلح آنها مثل تن‌واحد بر خیزید، بیل و کلنگ به دست بگیرید و از همه امکانات استفاده کنید و در مقابل ضدانقلاب ایستادگی کنید و دوشادوش مبارزان جهاد سازندگی و سپاهیان پاسدار انقلاب توطئه‌ها را درهم بشکنید.

۵- از هر گونه درگیری و اختلاف و نفاق بین خودتان و گروه‌های مختلف دهقانان خرده‌پا پرهیزید. همه شما در مبارزه علیه زمین‌داران بزرگ متحد باشید، مانند یک مشت بهم فشرده. ۶- سعی کنید با کمک هم بر روی زمین‌هایی که با مالکیت مشاع به شما داده می‌شود، تعاونی درست کنید و برادروار کار کنید و ثمره بیشتر ببرید.

۷- اتحادیه‌های خود را تشکیل دهید و دهقانان دیگر را با خودتان متحد سازید، تا

خواست‌های خود را بهتر تحقق بخشید و بتوانید نیروی بشوید. اگر متحد باشید نیرومند خواهید بود و خواست‌های حق خود را به کرسی خواهید نشاند.

دهقانان عزیز!

آمادگی خود را در این آخرین روزها برای اجرای اصلاحات ارضی، دوچندان کنید. شکوفایی انقلاب ایران ارتباط نزدیکی به اجرای دقیق و همه‌جانبه و سریع قانون اصلاحات ارضی دارد، به نحوی که ریشه فاسد بزرگ مالکی برچیده شود.

رسیدن حق به حق‌دار مراحل مختلف دارد. در مرحله کنونی مهم‌ترین مسئله شما همین ازین بردن زمین‌داران بزرگ است و حالاً که علی‌رغم تمام مشکلات و موانع، سازمان‌های مسئول جمهوری اسلامی ایران در حال اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند باید با آن مخالفان و کارشکنان و عمال ارباب و روحانی‌نمایان مقابله کنید.

وظیفه شماست که از قانون و اجرای آن و از حکومت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران به رهبری امام خمینی دفاع کنید و سعی کنید هر چه زودتر و کامل‌تر قانون به سود شما عملی شود.

نیروهای مترقی و مؤمن به هدف‌های انقلاب، نهادهای انقلاب و روحانیون راستین در شهرها و دهات در کنار شما ایستاده‌اند. قوای ضدانقلاب و نوکران بی‌نقاب و نقاب‌دار آنان نیز بانام‌های گوناگون در مقابل شما قرار گرفته‌اند.

روزنبرد و گرفتن حق است.

هر چه زودتر فاتحه بزرگ مالکی را بخوانیم.

همه با هم در راه اجرای

قانون اصلاحات ارضی به پیش!

دهقانان و شیطان بزرگ

دهقانان عزیز!

امام خمینی رهبر انقلاب ایران فرمود: «شیطان بزرگ آمریکاست».

این شیطان بزرگ نوکرانی در ایران دارد که در روستاها مالکان بزرگ هستند و توسط آنها نقشه‌های شیطانی خود را انجام می‌دهند و با تکیه به آنها توطئه می‌چینند و می‌خواهند ما را نابود کنند.

بنابراین تا این شیطان بزرگ، یعنی آمریکا را، از بین نبریم، و نوکرانشان را که مالکان بزرگ باشند نابود نکنیم، راحت نخواهیم شد.

مالکان بزرگ در روستا چه می‌کنند؟ شما بهتر از همه میدانید. آنها محصول شما را می‌برند و خود را صاحب زمین‌های مزروعی میدانند که که در اصل مال شما و پدران شما بوده و با توسط پدرانشان دزدیده شده و به ارباب‌ها رسانده است یا خودشان به‌زور یا به حیل از شما گرفته‌اند.

حالا جمهوری اسلامی می‌خواهد اصلاحات ارضی کند و زمین‌های زراعی را از آنان که غصب کرده بودند، بگیرد و به شما واگذار کند که صاحب واقعی آن هستید. البته هم‌زمین‌های زراعی باید مال کسی باشد که روی آن کار می‌کند. اگر زمین محصول می‌دهد نتیجه زحمت شایسته‌ی شماست.

ولی شیطان بزرگ آمریکا با اصلاحات ارضی مخالف است. نوکرانش، یعنی بزرگ مالکان نیز مخالفند، طرفداران آنها در لباس‌های مختلف چوب‌لای چرخ می‌گذارند. آنها هر شغل و لباسی که داشته باشند شیاطین امریکایی هستند، کار شیطانی آمریکا را انجام می‌دهند. پس مواظب باشید! هشیار باشید!



دهقانان زحمتکش!

آمریکا این شیطان بزرگ در حال دسیه و توطئه است. همه را از این امر مطلع کنید، بهم خبر دهید، مواظب شیطان بزرگ و نوکرانش، مالکان بزرگ باشید.

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین!

کمیته‌های خود را تشکیل دهید، و فوراً برای اجرای اصلاحات ارضی اقدام کنید. به هیئت‌های مأمور این کار مراجعه کنید، نمایندگان خود را پیش حاکم شرع بفرستید. به مراکز سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، این نهادهای انقلابی ایران که به شما صدقانه خدمت می‌کنند رجوع کنید. به آنان یاری کنید. از آنها یاری بخواهید تا واگذاری زمین هر چه زودتر اجرا شود و یای نوکران شیطان بزرگ از روستاها کوتاه گردد. ریشه فساد در روستاها

نگذارید دست به خرابکاری بزنند.

دهقانان عزیز!

شیطان بزرگ با اتحاد شما مخالف است، چون از قدرت شما هراس دارد، اگر شما اتحادیه خودتان را تشکیل دهید می‌توانید هم جلو خرابکاری‌های شیطان بزرگ و کوچک (مالکان) را بگیرید و هم زمین‌ها را خودتان بدست آورید و حق را به حق‌دار برسانید. این مهمترین کار شما در سرکوب شیطان است.

شیطان بزرگ آمریکا توسط رژیم دست‌نشانده‌اش و شیطان کوچک (ارباب) مشکلات فراوان برای شما به یادگار گذاشته‌اند. شما باید دست به دست هم دهید و با تشکیل اتحادیه دهقانی دشواریها و خواست‌های خود را بیان کنید و به مراجع دولتی و نهادهای انقلابی مراجعه کنید.

انقلاب بزرگ ایران مال خود شما زحمتکش‌ان و بی‌قول امام کوخ‌نشینان است. دیگر دور دور کاخ‌نشینان و اربابان نیست. حالا دیگر همه چرخ‌ها باید به سود شما بچرخد. فراموش نکنید که بدون اتحاد و مبارزه، بدون مراجعات بی‌در پی و پیگیری و یاری رساندن و یاری گرفتن از نهادهای انقلابی که صادقانه و با جان و بازی می‌خواهند بشما خدمت کنند، دشواریهای شما حل نخواهد شد. برای آنکه بر آثار شوم باقی مانده از شیطان بزرگ و طاغوت پیروز شوید متحد باشید.

انقلاب ایران و دولت جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی، و مردم انقلابی ایران در کنار شما و پشتیبان شما هستند. شما حتماً بر شیطان بزرگ (امریکا)، و شیطانهای کوچک (اربابان و مالکان)، پیروز خواهید شد.

اربابان و خوانین هستند. با کمک قانون‌ویاری نهادهای انقلابی و به همت خودتان این ریشه فساد را برکنید.

در قهوه‌خانه‌ها و مساجد و هر جا که می‌توانید تجمع کنید، اعلان بنویسید و در دیوارهای ده و مساجد بچسبانید که:

«اربابان نماینده شیطان بزرگ آمریکا است.»

«دست مالکان بزرگ از ده کوتاه».

فراموش نکنید که امام خمینی گفته است: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» و اگر نوکرانش، مالکان و اربابان، خواستند خرابکاری کنند، فوری به جهاد سازندگی و سپاه پاسداران مراجعه کنید. در صورت لزوم با بیل و کلنگ و داس جلوی عمال شیطان بزرگ بایستید و

ایستگاه ۷ آبادان: فقط فقر، فقط گرسنگی

ساکنین ایستگاه «۷ آبادان» هر لحظه در انتظار ریزش سقف آلودگی‌های خود هستند.

حول وحوش شهرهای بزرگ ایران را خرابه‌هایی در سرگرفته‌اند، که تجسم عینی "تمدن بزرگ" آریا مبری است! خرابه‌هایی که بخش عظیمی از زحمات و زحماتشان را در بر گرفته‌اند و از مکانات رفاهی کاملاً بی‌بهره‌اند. خرابه‌نشینان ایستگاه ۷ آبادان از این دسته‌اند. رنجبرانی که مهم‌ترین کار زندگی‌شان چشم دوختن به سقف کاهلی آلودگی است و سؤال همیشگی‌شان اینست: این سقف کی خواهد ریخت؟

محل ایستگاه ۷، که پیش‌سندی است که کارگران پروژه‌ای در شهر آبادان قرار دارد، در چند کلمه خلاصه و تصویر می‌شود: فقر، گرسنگی، کثافت، مگس، سقف‌های متزلزل، کف‌های خالی و جیب‌های خالی‌تر. ساکنین آلودگی‌های کاهلی این منطقه تاستان‌ها از گرما می‌پزند و زمستان‌ها، در خاک لیکه آسرم می‌لرزند، به چکه‌های آب، که از اینجا و آنجا آلودگی‌شان فرو می‌ریزد، با دل‌پهره می‌نگرند.

مردان این محله یا بیکارند یا به شغل‌هایی نظیر کارگری ساختمان مشغولند، که البته به علت متوقف شدن کارهای ساختمانی و بسته شدن شرکت‌های خصوصی، تعداد بیکاران محله‌ی این انقلاب افزایش زیادی یافته است. اهالی این محل اکثراً "عرب هستند."

دیدار از ایستگاه ۷ آبادان

از کوچه‌های خاکی و تنگ و باریک می‌گذریم. لجن و آشغال سراسر کوچه را پر کرده است. به یکی از خانه‌های گلی می‌رویم. زن جوانی، که بچه کوچکش را در آغوش دارد، به استقبالمان می‌آید. فرزند او، کودکی زرد و بی‌ماری است که مگسها بر روی صورتش کثیفی به‌بازی می‌شوند. از زن جوان سؤال می‌کنیم: "شهرم قبل از انقلاب سرباز بود. حالا که سربازیش تمام شده، بیکار است. چهار رجبه دارم و در خانه پدرش شهرم زندگی می‌کنیم. بیشتر روزها هیچ چیز نداریم که بخوریم."

وضع خانه‌ها اسفناک‌تر است. به دیوارهای خانه که دست می‌زنیم، خاک می‌ریزد. زن جوان می‌گوید: "هر آن منتظریم که خانه روی سرمان خراب شود. هر چند با رکه آب یا لامی آید و حیاط خانه را می‌پوشاند، مجبوریم چند روزی خانه را ترک کنیم و چند روزی تیره در باشیم، تا دوباره خشک شود."

از در خانه بیرون می‌آئیم. مرد جوانی که جلوی در خانه دیگری ایستاده است، می‌گوید: "اگر واقعاً می‌خواهید وضع مردم اینجا را ببینید، بهتر است چند کوچه بالاتر بروید."

از زندگی خودش می‌پرسیم. می‌گوید: "از من نپرسید. من نسبتاً وضع اینجا از همه بهتر است. لاقط شغل ثابتی دارم، هر چند خانه بدوشم و هر روز مستاجر کسی هستم. مثلاً" حالا پیش این پیر مرد و پسران خانگی اجاره کرده‌ام. آنها هم با همین اجاره زندگی می‌کنند. خودشان مجبور شده‌اند در انبار زندگی کنند، تا بتوانند بهترین

"خدمت نویسندگان محترم روزنامه وزین نامه" مردم ما اهالی مستضعف و فقیرده‌فشنندک و شهرک‌ظالان، که دارای چند متر زمین برای گذران امر معاش خانواده هستیم، میخواهیم بدینوسیله زفتودا لها وظلم و ستم آنها مردم را با خبر کنیم. در این دو قریه و سایر جاها به همین، فتودا لها و زمینداران بزرگ، هنوز هم که هنوز است خرم را در سوارند، چرا که آبی را که ملی اعلام شده، به مردم می‌فروشند و با سزور بطرف زمینهای خود می‌گردانند.



نیکاراگوئه

آزاد و مستقل به پیش می‌رود

"نیکاراگوئه آزاد شد!"، "برجم جبهه" ساندینست آزادی ملی، بر فراز ماناگوئه! "دولت است با سازی ملی شروع به کار کرد!" این، تنها چند نمونه است از عناوین درشت روزنامه‌ها، پس از پیروزی نیرو-های خلق نیکاراگوئه بزرگ حکومت دیکتاتور سوموزا در ۲۸ تیر ۱۳۵۸. در این روز مردم نیکاراگوئه، برهبری "جبهه ساندینست آزادی ملی" و پس از ده‌ها سال بیکار و جانفشانی در دشوارترین شرایط ترور و اختناق، به آزادی دست یافتند. شادمانی آنها در این روز چنان ژرف و گسترده بود، که لاقط چند لحظه‌ای، فلاکتی را، که سوزناک برای آنها به ارت گذاشته بود، از یاد بردند: ۴۰ هزار کشته، ۱۵۰ هزار آواره، ۱۰ هزار خانه ویران، ۹۰۰ هزار بیسواد، ۲۵۰ هزار بیکار، ۱/۵ میلیارد دلار بدهکاری به خارجی‌ان، گرسنگی و فقر!

همه کس میدانست که با سازی کشور سالها طول خواهد کشید و شماره کسانی که به چنین کامیابی شک داشتند، نیز اندک نبود. لیکن شور انقلابی و پیشنگار خلق بزودی در همه گسترده‌ها تجلی یافت. دگرگونی‌های بنیادی، بویژه در روستاها، بزودی چشمگیر شد. همه املاک سوزناک و قبیله او مصادره گردید و زیر نظر دولت و تعاونی‌ها درآمد. از سوی دیگر، کشت در زمین‌های با بر آغاز شد.

بنیاد انقلابی "جامعه صنعت خلق"، که رهبری و اداره موسسات ملی شده را به عهده دارد، در توسعه و عمران اقتصادی نیکاراگوئه نقش بس مهمی بازی می‌کند. در ۱۱ اردیبهشت امسال، این "جامعه" اعلام داشت که، از ۱۰۹۱ مؤسسه صنعتی عضو آن، در ۹۹ مؤسسه، تولید به سطح ۱۳۵۷ رسیده است. نیکاراگوئه همچنین در زمینه‌های بهداری و آموزش به دستاوردهای درخشانی دست یافته است. شبکه بهداری برای نخستین بار در روستاها پدید آمده و مبارزه با بیسوادان به نخستین موفقیت‌ها انجامیده است. نیکاراگوئه در این گستره از کمک‌بیداری کشورهای سوسیالیستی بهره‌مند شده است.

این دستاوردها بویژه از آن جهت چشمگیر است که، علیرغم مقاومت سرخستانه ارتجاع خارجی و داخلی حاصل شده است. "شورای کارفرمایان صنایع خصوصی نیکاراگوئه"، باره‌سنا کوشیده‌ها خواست‌هایی را مطرح سازد که هدف از آنها، مقابله اقتصادی و سیاسی در برابر رژیم انقلابی بود. جنبش دمکراتیک نیکاراگوئه، که گروهی از محافظه‌کاران آن کشور را در بر می‌گیرد، برهبری آلفونسو روبلو، کارفرما و عضو پیشین "شورا دولتی"، همواره تلاش می‌کند تا با کارزار بهتان آمیز خود میان مردم و رژیم نفساق افکند. در هندوراس، ۶ هزار تن از مزدوران سابق "کارمندی سوزناک"، خود را برای تهاجم به نیکاراگوئه آماده می‌سازند. ایالات متحده آمریکا اعطای اعتباری به مبلغ ۷۵ میلیون دلار را مشروط به شرایطی پذیرش ناپذیر کرده است.

اما خلق نیکاراگوئه اینگونه دشواریها و تشبثات را با شوری انقلابی و سازنده پاسخ می‌گوید و برای پایداری از انقلاب شکوهمند خود و دستاوردهای سترگ آن از هیچگونه جانفشانی دریغ نمی‌ورزد.

دعوت از دفترهای کشورهای غیرمتعهد برای آشنا شدن با حقایق اوضاع در کامبوجیا شورای انقلابی خلق کامبوجیا از دفترهای کشورهای غیرمتعهد دعوت کرد، تا از این کشور دیدن کنند و از نزدیک با حقایق اوضاع در کامبوجیا و تلاش خلق این کشور برای ساختن زندگی نوین و زدودن آثار دوران شوم رژیم بول پوت - بنکساری آشنا شوند. وزیر خارجه کامبوجیا گفت که دولت این کشور آماده است رسماً از نمایندگان دفترهای کشورهای غیرمتعهد استقبال کند.

و هر روز مرضی می‌گیریم و بعد هم مرض را به هم می‌گیریم.

سپس ما را به چهار ردیواری دیگری می‌برد. در واقع حیاطی است که در گوشه‌ای از آن لوتکی قرار دارد. پیر مرد و پسرانش در آن زندگی می‌کنند. پیر مرد گور است و پسران کمی می‌بینند. لاقط از نبودن برق کمتر از سایرین رنج می‌برند! زن بما می‌گوید: "چند بار از کمیته آمده‌اند اینجا، ولی بجز دوسه خانه‌ی ما، به کس دیگری کمک نکرده‌اند، حتی به این پیر مرد و پسران، که آخر عمر نفس راحتی بکشند."

دختر کوچکی به آنجا می‌آید و با همه سلام و علیک گرمی می‌کند. با آنکه بیش از ۱۰ سال ندارد، مانند یک زن جا افتاده، از همه چیز حرف می‌زند. می‌گوید: "اسم من "فرزانه" است و هر روز می‌آیم به این پیر مرد و پسران کمک می‌کنم. خیلی بدبختند. هر کاری کردیم کمیته به‌اشان کمک کند، موفق نشدیم. کمیته فقط به چندتا از خانواده‌ها کمک کرده، که از آنها بدتر اینجا زیادت است."

می‌پرسیم مدرسه می‌روی؟ می‌گوید: "آره" والبتنه از معدود کودکانی است که به مدرسه می‌رود. بیشتر بچه‌ها هرگز رنگ مدرسه و کتاب را نخوردند. از خانه آنها بیرون می‌آئیم و از محله‌شان. راستی مسئولین کی به محله آن‌ها خواهند رفت و کی به خانه‌ها ایشان خواهند گذارد؟ بچه‌های ایستگاه ۷ آبادان کی خواهند توانست نام محله‌شان را بنویسند و سرود آزادی را در کتاب‌ها بخوانند؟ کی؟

این مختصر که دهقانان نوشته‌اند، حکایت از داستان مفصل ستم و جور زمینداران بزرگ دارد. فعلاً "حرف و خواست آنها بسیار ساده و عملی کردن آن کاملاً ممکن است. مقامات مسئول و نهادهای انقلابی افرادی را برای بازرسی بفرستند و به بینند که آنها چه می‌گویند و ارباب چه می‌کنند؟ آدرس: ده فشنندک و شهرک ظالقان. دور هم نیست. چند ساعت می‌توان به ده رسید. مانند خود دهقانان منتظر اقدام هستیم.

اتاق را اجاره بدهند.

به خانه سرمی‌کشیم: در حیاط این خانه دواتق بیشتر وجود ندارد. یکی تقریباً بزرگ و مرتب، که مرد در آن زندگی می‌کند و یکی اتاق ماحیانه، که بسیار رنگ و کوچک و تار یک است. چند کوچه بالاتر می‌رویم. اینجا و آنجا آثار رباط استعمال هروئین دیده می‌شود. کاغذهای سیاه شده آلودگی و کلینکس لوله‌شده، روش‌ها سابق و اربابان: با رواج مواد مخدر، مردم را بخواب میرساند و با دیدار رشتند و از این همه جنایات با خبر.

به محوطه‌ای می‌رسیم که مملو از آشغال و لجن است. بچه‌ها در میان آشغال‌ها در جستجوی وسایل بازی هستند و بی‌توجه به مدها مگس، که سرتاپایشان را پوشانده است، دوره‌ها نمی‌کنند و همراه با سروصدای آنها، زنان محله نیز گردما جمع می‌شوند. اکثراً شوهرهایشان بیکار رشتند و این بزرگترین درد آنهاست. بیکاری برای آنها می‌تواند پایان زندگی باشد. یکی از زنان ما را به خانه‌اش می‌برد. نه آب دارد، نه برق. در خرابه‌ای بنام خانه زندگی می‌کند. چهار تادیاورگلی، اتاق بدون در. می‌گوید: "سه فرزند دارم. شهرم کارش سنگینی"

بالاغ است و از این راه زندگی بخورونمیی را می‌گذرانیم. در حیاط خانه‌شان پیر زنی زنده‌پوش دراز کشیده است. می‌گوید: "این پیرزن هم کداست و اینجا پیش ما زندگی می‌کند." سپس از اوضاع محله برای ما می‌گوید: "بیشتر خانه‌های محل آب و برق ندارند، یعنی پولش را ندارند که از آن استفاده کنند. ما در میان این کثافتات زندگی می‌کنیم"

دهقانان مینویسند: و ما مردم بی‌چیز را در بی‌آبی فقرها میکنند. از ظلم اینها زیاد باید گفته شود. فقط مختصراً شما نامه ما را چاپ کنید، تا وزارت کشاورزی و امور عمران و آبادی ده عده‌ای را برای بازرسی باین قراء بفرستند، تا صحت گفتار ما و درد دل مردم از این بیدینان روشن شود. با احترام بسیار ۱۲ مرداد ۱۳۵۹ (۲۱۱۱ منان ۵۹)

گروانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

حمایت آشکار حزب بعث عراق از شاهپور بختیار

طبق گزارش خبرگزاری پارس، به نقل از خبرگزاری فرانسه از بغداد، روزنامه النوره، ارگان حزب بعث عراق، صفحه اول خود را به اظهارات شاهپور بختیار در مورد ایجاد "نهضت مقاومت ملی ایران" اختصاص داده است. روزنامه النوره در ارتباط با اظهارات بختیار می‌نویسد: "هدف بختیار آزاد کردن ایران از سلطه گروهی است که فرهنگ و تمدن ایرانی را تحقیر و نابود کرده است."

این نخستین بار است که ارگان حزب بعث عراق، یعنی حزب حاکم در عراق، از فعالیتهای شاهپور بختیار بطور علنی حمایت می‌کند. در این مورد، ناظران سیاسی در بغداد، اهمیت فوق‌العاده‌ای را که مطبوعات عراق برای سیاست و فعالیتهای شاهپور بختیار علیه انقلاب ایران و رهبران امام خمینی قائلند، خاطرنشان می‌سازند. حمایت النوره، ارگان حزب بعث عراق، از شاهپور بختیار و فعالیتهای ضدانقلابی وی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نباید مطلبی تازه و یا غیرمنتظره تلقی کرد، زیرا حمایت از شاهپور بختیار بازتاب خط مشی کلی دولت بعثی عراق مبتنی بر خصومت و تخریب و عملیات تجاوزی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. آن چیزی که در این حمایت النوره، ارگان حزب بعث عراق، از شاهپور بختیار جلب توجه می‌کند، انتخاب زمان یک چنین اظهار نظر صریح مبتنی بر پشتیبانی از شاهپور بختیار و فعالیتهای جنایت‌آمیز ضدانقلابی این عنصر خائن و مطرود و دیگر جنایتکاران و خائنان به منافع مردم ایران است. حمایت آشکار النوره از شاهپور بختیار در واقع برای آنست که، فعالیتهای مخرب و ضدانقلابی و توطئه‌گرانه شاهپور بختیار و دیگر جنایتکاران فراری از ایران را، که در عراق متمرکز شده‌اند، توجیه کند و با دادن عنوان "نهضت مقاومت ملی" به این فعالیت ضدانقلابی، شاهپور بختیار را یک عنصر "ملی" معرفی نماید، تا شاید بتواند مارک آمریکایی و عامل "سیا" بودن او را در سایه قرار دهد. در عین حال "النوره"، ارگان حزب بعث حاکم در عراق، هنگامی پشتیبانی رسمی خود را از شاهپور بختیار و نقشه‌های توطئه‌گرانه وی علیه ایران اعلام می‌کند، که طرح توطئه بزرگ جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، با هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و تبلیغاتی، با مقیاس گسترده تدارک دیده می‌شود و دولت بعثی عراق خود نقش مهمی را در پیاده کردن این طرح برعهده گرفته است.

دولت بعثی عراق تنها از شاهپور بختیار حمایت نمی‌کند، بلکه عملاً تمام نیروهای ضد انقلاب - ساوکیان فراری، افسران فراری گارد و دیگر عناصر ضدانقلابی را در خاک خود متمرکز ساخته، آنها را متشکل نموده و در نواحی مرزی عراق با ایران مستقر ساخته است و برای حمله به خاک ایران آماده می‌کند.

اعزام عناصر و گروههای خرابکار و تروریست به داخل خاک ایران، گسترش تجاوزات مسلحانه به نواحی مرز ایران و تمرکز واحدهای بزرگی از نیروهای مسلح "ارتش عراق در مجاورت مرزهای ایران و اینک حمایت "النوره" از بختیار، شبکه بزرگ و بهم پیوسته تدارک برای اجرای توطئه بزرگ جدید امپریالیسم آمریکا علیه ایران را تشکیل می‌دهد، که با رهنمودهای کاخ سفید و دوائر جاسوسی امپریالیسم آمریکا و هم‌آهنگ با فعالیتهای نظامی و تدارکات جنگی آن در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، فعالیت می‌کند.

حمایت النوره، ارگان حزب بعث عراق، در واقع همگونی ماهیت حکومت ضد مردمی و سفاک بعثی عراق با شاهپور بختیار را، که در افکار عمومی مردم رزمنده انقلابی ایران بعنوان عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا و نوکر بی اختیار شاه سابق، شناخته شده است، رسوا و برملا می‌سازد. حمایت النوره، ارگان حزب بعث عراق، از شاهپور بختیار، بجای کسب اعتبار و حیثیت برای این عضو خیانت پیشه و مطرود، موجب رسوائی بیشتر رژیم تروریستی بعثی حاکم بر عراق خواهد شد.

کمیته‌های انقلاب راهرو چه سر یعتر پاکسازی کنید

فحاشی و ناسزاگویی به آنها کردند. در این میان رفقای ما متوجه "حضور" یکی از شاگردان تیمار صحرایی فراری در میان اعضا کمیته شدند. این فرد در زمان رژیم شاه سابق در زندان قمر به یکنجه مبارزان مشغول بود و اکنون با ماسک انقلابی خود را در میان اعضا کمیته انقلاب جا زده است. رفتار برخی از افراد کمیته، بخصوص رئیس آن، که خود را رئیس دانشگاه نیز وانمود می‌کرد، کوچکترین شباهتی با رفتار انسانهای انقلابی و متعهد نداشت.

رئیس کمیته از رفقای ما می‌خواهد که "نامه مردم" و کتابهای حزبی را، که در دست داشتند، پاره کرده بسجده حزب توده ایران فحاشی کنند. لیکن رفقای ما با تذکر رفتار غیرقانونی و غیرانسانی آنان، از این گستاخ خودداری و به بازداشت غیرقانونی خود اعتراض می‌کنند.

در کمیته چند نفر از اعضا گروهک آمریکایی "رنجبران" نیز فعالیت داشتند که در چند مورد رفقای ما را تهدید به مرگ کردند. رفقای ما با خون‌سردی و متانت انقلابی خود با این اعمال برخاستند و به آنها تذکر دادند که این رفتار هیچ شباهتی با اعمال یک انقلابی مسلمان و متعهد ندارد. رفقای ما به بازداشت غیرقانونی خود اعتراض کردند و خواهان آزادی فوری خود شدند. سرانجام رفقای ما ساعت ۶/۵ صبح روز بعد آزاد کردند.

در زمینه پاکسازی نهادهای انقلابی، از جمله کمیته‌ها، امام خمینی بارها ندا داده‌اند. نمونه مشخص فوق بار دیگر ضرورت پاکسازی سریع کمیته‌ها را از عناصر مشکوک ثابت می‌کند. هر قدر کمیته پاکسازی به تعویق افتد و در آن سستی و اهمال کاری بعمل آید، زیان‌های تنها متوجه انقلاب و نیروهای صدیق هوادار آن خواهد بود.

ما ضمن اعتراض شدید به اعمال مسئولین کمیته جنب سینما دیانا، خواهان بررسی هر چه سریعتر این واقعیه توسط مقامات مسئول هستیم. ما همچنین معرانه می‌خواهیم که در باره صلاحیت افراد عضو این کمیته بررسی دقیق صورت گیرد و در مورد مجازات افرادی که بنام "اسلام" و "دفاع از انقلاب"، به اعمال غیرقانونی و غیرانسانی دست می‌زنند، اقدامات مقتضی صورت گیرد.

اعتصاب شکوهمند کارکنان پالایشگاه سعی در شکستن اعتصاب اعتما بیون می‌کردند (اخراج یا بازنشسته)، کلیه کسانی که در کار بستن قراردادها یا استعماری به شکل دست داشته‌اند و کار آنها موجب استثمار کارکنان گردیده است (اخراج)، کلیه کسانی که در گذشته از پالایشگاه پاکسازی شده‌اند، باید با توجه به جراثمی که مرتکب شده‌اند، به مجازات برسند.

لازم به تذکر است که لیست افراد قابل پاکسازی از نظر این شورا آماده بوده و در صورت درخواست کتبی هر یک از ارگانهای موجود بطور محرمانه در اختیار آنان قرار خواهد گرفت. موارد فوق برای اجرای تغییرات فیزیکی در سیستم است، در حالیکه ما احتیاج به تغییر بنیادی در سیستم و نظام حاکم بر صنعت نفت داریم و برای این امر خواهان بحث و تبادل نظر با سایر شوراهای بوده و امیدواریم بدینوسیله بتوانیم بطور ریشه‌ای آثار ظغوت را برچینیم.

شورای متحد پالایشگاه تهران خواهان پاکسازی است.

عوامل رژیم سابق و عناصر مشکوک هنوز در کمیته‌ها به فعالیت‌های ضد انقلابی خود مشغولند. به بازداشت غیرقانونی رفقای ما و رفتار زشت و غیرانسانی مسئولین کمیته "جنب سینما دیانا" شدیداً معترضیم. باینکه بیش از یکسال و نیم از انقلاب ندا میریالیستی و خلفی مسا گذشته، متأسفانه هنوز در ارگانهای انقلابی ما تصفیه و پاکسازی بطور کامل صورت نگرفته است و عوامل ضد انقلاب فرصت آن را یافته‌اند که ضربات خود را بر بیکر این ارگانها و از طریق تریبیکر انقلاب ایران وارد آورند.

یکی از ارگانهای انقلابی که هدف عمال ضد انقلاب قرار گرفته است، کمیته‌های انقلاب است. سرپرست سینما پاسداران انقلاب، آقای رضایی، بحق در محاصره تلویزیونی خود، که روز ۱۷ مرداد ۵۹ از سیما جمهوری اسلامی ایران بکش شد، از این کمیته‌ها بعنوان نیروی مسلح انقلاب نام برد و بر اهمیت فعالیت آنان در جهت دفاع از انقلاب در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و متحدینش تاکید کرد.

کمیته‌ها تشکیلاتی هستند که از بطن انقلاب و از درون شور مبارزاتی توده‌ها بوجود آمده‌اند. اکثریت مطلق آنان را جوانان مومن و سلحشور انقلابی میهنمان تشکیل می‌دهند.

ولی عوامل ضد انقلاب، ساواکی‌های فراری و عناصر مشکوک، از همان ابتدای تشکیل کمیته‌ها سعی کردند تا با نفوذ در آنها و به بیراهه کشاندن فعالیت این کمیته‌ها، مردم را نسبت به عملکرد آنان بدبین سازند و از رشد و گسترش کار این ارگانهای مسلح خلق جلوگیری کنند.

متأسفانه در مورد پاکسازی عناصر مشکوک از کمیته‌ها تاکنون نقائص زیادی وجود داشته است و عده ای از آنان هنوز به فعالیت‌های مخرب خود ادامه می‌دهند.

بعنوان مثال، در تاریخ ۱۱ مرداد ۵۹، چندتن از وابستگان به کمیته واقع در جنب سینما دیانا، با حمایت از عناصر مشکوک بنام "مبارز افغانی" "رنجبری"، که جلوی دانشگاه تهران به پخش شایعات و افتراءات علیه حزب توده ایران و ارگانهای انقلابی (که در جهت افشاء این دستجات خرابکار اقدام می‌کنند) مشغول بودند، چندین نفر، از جمله دوتن از رفقای ما را بازداشت کردند و به کمیته جنب سینما دیانا بردند. در آنجا موی سر این رفقا را تراشیدند و شروع به

شورای متحد پالایشگاه تهران خواهان پاکسازی است

"جا الحق و زهق لباطل ان لباطل کان زهوقا"

فرمان حرکت آفرین امام در جهت پاکسازی وزارت خانه‌ها و سازمانها از لوث وجود خائنین به اسلام و انقلاب و بی‌ماندگان رژیم منحوس پهلوی و وابستگان دربار و ساواکیها، بیکبار دیگر عمق و اهمیت این مهم را نشان داد و به تصورات واهی عده‌ای که در ذهن خود تخم توطئه می‌گاشتند و آماده پخش آن در محیط کارگاه‌ها می‌شدند خط بطلان کشید.

با تاکید بر لزوم پاکسازی ر همان گونه که همواره مورد درخواست مسا بوده است، باید این امر هر چه سریعتر انجام پذیرد. حال که انجمن اسلامی به تشکیل کمیته پاکسازی مبادرت ورزیده است، شورای متحد ضمن پشتیبانی قاطع از امر پاکسازی، موارد زیر را یادآور می‌شود و پاکسازی را در این چهارچوب قابل اجسرا می‌داند:

- ۱- انتشار اسامی کلیه ساواکی‌ها برای آگاهی کارکنان (اخراج از صنعت نفت و معرفی به دادگاه انقلاب).
- ۲- کلیه کسانی که در طول سالیان گذشته در خدمت رژیم منحوس بوده و به اعمال ضد مردمی در پالایشگاه معروف می‌باشند (اخراج یا بازنشسته).
- ۳- سوء استفاده کنندگان از بیت المال، دزدان، شرکاء پیمانکاران داخلی و خارجی، تجار و کارکنان بسجده حقوق انسانی مردم (اخراج یا بازنشسته و در موارد مورد لزوم معرفی به دادگاه انقلاب).
- ۴- کلیه کسانی که در زمان

ملی کردن شرکت‌های حمل و نقل، اقدامی است مثبت و منطبق با خواست‌های انقلاب

۸ شرکت بزرگ حمل و نقل با ۴ هزار کامیون و با بدهی ۱۱ میلیارد و ۲۸۰ میلیون ریال، به مالکیت دولت درآمدند.

این خبر از سوی آقای مهدی امین زاده، عضو هیئت مدیره شرکت گسترش خدمات بازرگانی، اعلام شد. وی هنگام اعلام این خبر همچنین گفت:

"شرکت‌های بزرگ حمل و نقل در ایران حدود ۸ شرکت بودند، که در یک شرکت مادر به نام شرکت "بارانبار" با سرمایه ۱۰۰ میلیون ریال متمرکز شده بودند. (گهیانه ۲۲ مرداد ۵۹)

در مورد شرکای این شرکت، آقای امین زاده افزود:

"شرکای این شرکت عبارت بودند از: گسترش خدمات بازرگانی با ۴۰ درصد سهام و شرکت‌های حمل و نقل ساریانها، ایران تاکس، تهران، خرمشهر اکسپرس بزرگ ایران، ایران سرعت، ترانس کانتینتال، شرکت حمل و نقل پارس کانتینر و شرکت ایران یوروپ (گوزیر)، که بقیه سهام را در دست داشتند. (همانجا)

ملی کردن شرکت‌های بزرگ حمل و نقل، که تمامی آنها شرکتهایی بودند مستقیم و یا غیر مستقیم وابسته به شرکت‌های امپریالیستی، اقدامی است مثبت و بخردانه، زیرا سرمایه‌داران بزرگی چون ساریانها، روح الامین‌ها و دیگر عناصر زالو صفت در همکاری با اربابان خود، برای مکیدن خون زحمتکشان این مرز و بوم اقدام به تاسیس چنین شرکت‌های بزرگ حمل و نقل کرده بودند. پس از انقلاب اکثر سهامداران این شرکتها یا به کشورهای اروپایی و آمریکا فرار کرده‌اند و یا در این جا و آنجا مشغول توطئه و دیسمنجینی علیه انقلاب ایران‌اند. و با توجه به بدی‌های سنگینی که این شرکتها به بانکها و وزارت بازرگانی مدیون‌اند، بر مسئولان کنوراست که با رسیدگی به وضع سهامداران این شرکت‌های بزرگ، از یک سو اعمال مخرب آنها را خنثی کنند و از سوی دیگر بدی‌ها را از آنها بزلختانند.

افشای لیست عوامل ساواک در اهواز اقدامی است مثبت

رادیو اهواز طی یک برنامه منظم، که از اوائل ماه رمضان آغاز شد، اقدام به افشای نام ۹۰۰ ساواکی کرده است. این عده در ادارات دولتی و موسسات خصوصی از قبیل: شرکت نفت، اداره کشاورزی، پست و تلگراف، دامپزشکی، آموزش و پرورش، دبستانها و دبیرستانها، رادیو و تلویزیون، دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها (نورد اهواز، لوله‌سازی، صنایع فولاد)، بیمارستانها و سایر مراکز مشغول به کار بودند و تا زمان اعلام چنین لیستی از سوی رادیو اهواز تصفیه نشده بودند. این عده پس از افشاء اسامی آنها، از ادارات و موسسات تصفیه و اخراج شدند. از سوی دیگر ضدانقلاب چون میدانند که افشاء اسامی ساواک چون تیشه‌ای است به ریشه‌اش، دست به انبشواع تبلیغات منفی علیه این اقدام مثبت زده است.

مردم خوزستان، سازمانها و گروه‌های مترقی چنین اقدام مثبتی را تایید می‌کنند و جدا از مقامات مسئول خوزستان می‌خواهند که، چنین اقدامات مثبتی ادامه یابد.

مردم زاهدان اعمال ضدانقلابی

خانها و قوادها را محکوم کردند

روز شنبه ۱۱ مرداد ۵۹، مردم زاهدان به مناسبت شهادت یکی از مسئولان شرکت تعاونی وابسته بسجده جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستن بدست عوامل خانها و سردارها، دست به یک راه پیمایی زدند. در این راه پیمایی که به طرف قبرستان عمومی زاهدان صورت گرفت، ۲۰۰۰ نفر شرکت کردند. آنها شعار می‌دادند: "خمینی می‌رزد، فتودال می‌لرزد" "خائنها دشمن، سردار دشمن" در این مراسم، تقاضا کردند که همجنین پشتیبانی خود را از دانشجوان انجمن‌های اسلامی آمریکا و کانسادا اعلام کردند. آنها همچنین خواستار تصفیه هر چه سریعتر زاندارم‌سری از عوامل رژیم گذشته شدند.

نقشه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸
محل دفتر نامه مردم،
فعال در اشغال عناصر غیرمسئول است

با انکا
میرام تاریخی امام خمینی
مسئله کردستان را
در راه سلامت آمریکا
موفق می‌شوید



اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در السالوادور، ارتجاع را به وحشت انداخته است

در حالیکه بیکار مردم قهرمان السالوادور با خونتای نظامی آن کشور روز بروز اوج میگیرد، به استکبار سندیگای کارگری و جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور، قرار است که از روز چهارشنبه ۲۲ مرداد ماه، زحمتکشان و دیگر قشرهای مردم - دیده السالوادور در اعتمای همگانی، اعتراض خود را به سیاست سرکوبگرانه و جیاول آمیز رژیم ابراز دارند. پیش بینی می شود که بیش از نیم میلیون نفر در این اعتصاب شرکت کنند.

خونتای نظامی السالوادور، که نتوانست با تهدیدات خویش، رهبران اعتصاب را از این اقدام باز دارد، برای مقابله با جنبش وسیع اعتراضی، به ارتش فرمان آماده باش داده و یگان های مسلح خود را بویژه در سان - سالوادور و حومه متمرکز ساخته است. ارتش و پلیس السالوادور روزهاست که به تهاجمات وحشیانه خویش به مراکز کارگری و مقر رهبران سندیگاکها افزوده اند.

از سوی دیگر، رهبران اتحادیه های کارگری السالوادور اعلام داشته اند که، در صورت اقدامات اعتصاب شکنانه از سوی نیروهای نظامی، به ایستادگی مسلحانه خواهند پرداخت. درجبهه، خارجی نیز، امپریالیسم آمریکا، که بویژه پس از انقلاب پیروزمند نیکاراگوئه، از محدودیت شدن بازم بیشتر گستره غارتگریش در قاره آمریکا، بیمناک است، اندیشه دخالت مستقیم بسود رژیم سربرده اش را در سر می پروراند و در این زمینه به تدارکات گسترده ای نیز دست زده است.

چند روز پیش، برخی از روزنامه های آمریکا، از جمله "سانفرانسسکو اکزامینر"، گزارش دادند که، هزاران تفنگدار دریایی آمریکا در کالیفرنیا، شمالی، آلاباما و اوهایو برای مدخله در السالوادور و سرکوب رستاخیز خلق رزمنده آن کشور آموزش می بینند فزون بر این، سفارت آمریکا

توطئه سیاه ضد جان امام خمینی را دیو عدن گزارش داد که سازمان جاسوسی سیا برای مسموم کردن آیت الله خمینی توطئه کرده است. این رادیو اضافه کرد که اجرای این توطئه برای آمریکا ضروری است، تا بتواند مواضع متزلزل خود را ترمیم کند.

اسلام آمریکائی، امام خمینی را تکفیر میکند!

مفتی اعظم مغرب در بیانیه ای امام خمینی را تکفیر کرد و گفت روش آقای خمینی ضد اسلام است. در پی اعلام این فتوا، گفته شد که مفتی اعظم با دربار ملک حسن روابط نزدیکی دارد و این فتوا ظاهراً "باتوجه دربار ملک حسن صادر شده است".

بیرک کارمل از مسلمانان حیان خواست که از انقلاب فلسطین و ایران حمایت کنند

بیرک کارمل، رهبر افغانستان، در نطقی در کابل، بمناسبت عید فطر، گفت که خلق قهرمان افغانستان توطئه های امپریالیسم و ارتجاع جهانی را، که زیر نام مقدس اسلام می خواهند در روند انقلاب افغانستان خرابکاری کنند، قاطعانه در هم می شکنند. کارمل از مردم خواست که برای ساختن زندگی نوین و جامعه عاری از استثمار متحد شوند. رهبر افغانستان از مسلمانان جهان خواست که از انقلاب فلسطین و ایران حمایت کنند.

مراسم عید فطر باشکوه فراوان از سوی مسلمانان در جمیوریتی آسینائی شوروی برگزار شد.

در تاشکند، مرکز جمهوری ازبکستان شوروی، مسلمانان در مساجد مراسم نماز عید فطر را با آواز آوردند. در باکو مرکز آذربایجان شوروی، نیز مسلمانان باشکوه فراوان مراسم عید فطر را برگزار کردند. مراسم نماز عید فطر در مسجد تازه پیربایکو برگزار شد. سخنرانان مذهبی اعلام کردند که مراسم عید فطر بویژه امسال برای مسلمانان اهمیت دارد، زیرا قرار است در ماه سیتامبر سیمینار آغاز قرن پانزدهم هجری در تاشکند برگزار شود.

رژیم دست نشانده ضیاء الحق در هند هم خرابکاری میکند

رژیم دست نشانده ضیاء الحق، که بدستور ارباب خود آمریکا در توطئه بیشرمانه علیه افغانستان شرکت فعال دارد، خرابکاری علیه هند را نیز گسترش میدهد. در چند هفته گذشته حدود سیصد جاسوس و خرابکار پاکستانی در ایالت پنجاب هند دام افتادند. از جمله چند خرابکار مسلح، که برای خرابکاری به این منطقه اعزام شده بودند، در پی عقیم ماندن طرح خرابکاری بازداشت شدند.

همکاری چین و پاکستان علیه هند

مطبوعات هند گزارش میدهند که چین و پاکستان نیروهای خود را در امتداد مرز هند تقویت میکنند. روزنامه های هند، با توجه به گزارشهای معتبر، نوشتند که پاکستان و چین بویژه در امتداد جاده قره قوروم، که از مدونینجا به کیلمتری جا مو و کشمیر میگردد، دست به تمرکز نیرو زده اند. چین در طول این شاهراه موشکسهاپی نصب کرده است که بسوی هند و افغانستان نشانه رفته اند. قرار است کارشناسان سازمان سیا، انگلیس و چین وسائسل اطلاعاتی و مخبراتی ویژه ای در این منطقه برای کسب اطلاع از شوروی، هند و افغانستان نصب کنند. چین همچنین در ثبت نیز پایگاههای موشکی مستقر می کند.

برتری طلبان بکن و دیکتاتور نظامی دست نشانده پاکستان، که از سیاست خارجی مستقل هند خشمگین شده اند، تصمیم دارند که تحریکات علیه این کشور را افزایش دهند. اسلام آباد و پکن، با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا، همکاری های مختلف بویژه همکاری در زمینه نظامی را گسترش میدهند.

باز هم قطب زاده!

قطب زاده: "... تهمت میزنند، دروغ میگویند، حمله می کنند... مرتب دروغ میگوئیم، غیبت میکنیم، حمله می کنیم، در رسانه های گروهی بیاد تهمت و افترا میگیریم... همیشه تبلیغات و جارو و جنجال بوده، دروغ - بردازی در دوره جدید نیست... در ۲۵ سال گذشته نیز بوده... اگر یکبار اشخاص یا مسئولینی را که به دیگران تهمت زدند، دروغ گفتند و افترا زدند، کنار گذاشتیم، مملکت اداره میشود. این تبلیغات اخلاقی اسلامی نیست، اخلاق کفر است... من هر کس را چه بنام اسلام، چه بنام کفر از خط اسلام و اخلاق اسلام منحرف بشود، دروغ بگوید، تهمت بزند، افترا بزند و بکفر عمل کند، اینرا خط اسلام نمی دانم و فاسد می دانم.

این روزنامه می افزاید که، طبق برآورد محافل کلیسایی السالوادور، در پنج ماه نخست اجراء حکومت آزوبی خونتای ۲۰۶۵ تن در آن کشور کشته شده اند. این رقم، کشتار ۶۰۰ هزاره را در رود مرزی سومبول، که اسقف های هندوراس نیز آنها را تاشید کردند، دربر نمیگیرد.

مردم السالوادور فاشیست گرایی های خونتای و پشتیبانی تجار و کارخانه امپریالیسم آمریکا را از آن با اتحاد رزمی و سازمانی خویش پاسخ گفته اند. چندی پیش، بهمت ویسک سازمان ملی السالوادور با عقاید ایدئولوژیک و سیاسی گوناگون "جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور" را پایه ریختند، که حزب کمونیست السالوادور را نیز دربر میگیرد. "جبهه دمکراتیک انقلابی"، ضمن یاد آوری ضرورت استقرار نظامی خلقی و دمکراتیک در السالوادور، برنامه های برای تشکیل یک "دولت انقلابی - دمکراتیک" تدوین کرده است، که مهم ترین هدف آن بسیج همه میهن پرستان آن کشور برای سرنگونی رژیم سرکوب و برقراری حکومت "دولت انقلابی - دمکراتیک" تعیین شده است.

تعرض جدید خونتای السالوادور علیه ندای حق طلبانه مردم آن کشور، وحشت زامداران خون آشام السالوادور و اربابان آمریکایی شان را از اتحاد پیروزی آفرین نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک السالوادور بازمی تابد.

امریکا به کودتایان بولیوی کمک نظامی میکند

ویکتور لویز، یکی از رهبران برجسته کارگری در بولیوی، در مادرید گفت: "زندگی زندانیان سیاسی در بولیوی در معرض خطر است".

لویز خواستار همبستگی بیشتر بین المللی با خلق مبارز بولیوی شد. وی گفت که دار و دسته مزدور نظامی، که با یک کودتا قدرت را در دست گرفته اند، هزاران تن را بازداشت کرده و صدها تن دیگر کشته شده اند. روزنامه مخفی "بولیوی آزاد" خبر داده است که در جریان کودتا ۳ هزار تن بقتل رسیده اند. در همان حال گزارش میرسد که رژیم کودتا نتوانسته است بر کشور مسلط شود و مقاومت در برابر رژیم ادامه دارد. از سوی دیگر، سیاست ریاکارانه امپریالیسم آمریکا در مورد کودتای بولیوی شدیداً "از سوی محافل اجتماعی آمریکا، که در پی کودتای بولیوی، زیر فشار افکار عمومی آمریکایی لاتین ریاکارانه اعلام کرده بود که هرگونه کمک اقتصادی به رژیم کودتا راقطع خواهد کرد، بنابر شواهد و مدارک غیر قابل انکار، کمک بسه رژیم نظامی را ادامه میدهد.



کنند.

دولت آمریکا برای افزایش مخارج نظامی، اوضاع افغانستان را تحریف میکند

روزنامه نیویورک تا به امروز مقاله افشا کننده ای در باره افغانستان، بقلم جان سامرویل، مدیر مجله "جرج من چاپ کرده است. در مقاله گفته شده است که دولت آمریکا اوضاع افغانستان را تحریف میکند، تا بتواند افزایش مخارج نظامی را، که با مخالفت روز افزون زحمتکشان آمریکا روبرو میشود، توجیه کند. در مقاله اضافه شده است که اگر دولت آمریکا واقعا به صلح علاقمند است، چرا به پیشنهادهای دولت هاسی افغانستان و اتحاد شوروی توجه نمی کند؟ دولت شوروی اعلام کرده است که بعضی آنکه قطع تجاوز از خارج علیه افغانستان تضمین شود، سربازان محدود خود را از افغانستان خارج میکند.

همکاری پاکستان و عربستان سعودی گسترش می یابد

در پی دیدار محرمانه و ساکپاسی ضیاء الحق، دیکتاتور دست نشانده پاکستان از عربستان سعودی، ناظران سیاسی در بیروت گفته اند که هدف از این دیدار همکاری های هر چه بیشتر دو کشور در زمینه های مختلف، بویژه در زمینه نظامی بوده است.

بگفته این محافل، رژیم ضیاء الحق، که در داخل کشور بر اثر سیاست های ضد خلقی و خوش خدمتی به اربابان آمریکایی، با مخالفت های روز افزون روبرو است، تلاش می کند که حمایت هر چه بیشتر خاندان آل سعود را نسبت به خود جلب کند. از جمله ضیاء الحق تلاش دارد که عربستان سعودی را وادار سازد پول ساز و برگ نظامی ارسالی آمریکا به پاکستان را بپردازد. رژیم ضیاء الحق بدستور آمریکا تصمیم گرفته است که بودجه نظامی کشور را بازم افزایش دهد. امسال ۱۲ درصد دیگر بر مخارج نظامی پاکستان اضافه شده است، و این در حالی است

مدیریت خبرگزاری فرانسه دست نشانده آنها را فرانسوی است

به نوشته اومانیت، خبرگزاری فرانسه در گزارش های خود از خبرگزاری های رسوای آمریکایی الهام میگیرد و برکسی پوشیده نیست که خبرگزاری های آمریکایی به تنها چیزی که توجه ندارند، "حقایق" است. چندی پیش خبرگزاری های غربی از قول یک "مسافر" دهلی نو، با آب و تاب خبر داده بودند که "آناهیتا" راتب زاده، وزیر آموزش افغانستان کشته شده و حتی جسد وی را در خیابان دیده اند. راتب زاده سه روز بعد از بختن این خبر، یک کنفرانس آموزشی را در کابل گشود. خبرگزاری های غربی چندی پیش در جریان خبرگزاری با زبهای المپیک، با عجله آتش گرفتن زباله در میدان سرخ مسکو را "خودسوزی" یک مسرد مغایره کردند، اما آتش آنقدر شور بود که تمام این خبرگزاری ها یکجا عت بعد مجبور شدند خبر خود را بنوعی تکذیب

دروغ پر اکنی های خبر گزارهای امپریالیستی فاش میشود

دروغ برداز بهای خبرگزاری های غربی، این بلندگوهای رسوای امپریالیستی، خشم و نفرت محافل اجتماعی و روزنامه های ترغیب خواه کشورهای غربی را برانگیخته است. از جمله روزنامه "اومانیت"، ضمن بررسی خبرهای خبرگزاری فرانسه در باره افغانستان، با توجه به شواهد و حقایق غیر قابل انکار، نوشت که این خبرگزاری، که با پول ملت اداره میشود، به دستگاه دروغ و تحریف تبدیل شده است. اومانیت اضافه کرده: